

تحلیل تاثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور (۲۰۱۵-۲۰۰۰): آموزه‌ای برای اقتصاد ایران

علی سرخوش سرا*، خدیجه نصراله‌ی** و کریم آذربایجانی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

چکیده

یکی از عوامل مهم دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، افزایش صادرات است که مهم‌ترین هدف از سیاست‌گذاری در بخش تجارت خارجی را نیز تشکیل می‌دهد. در این میان کشورهای نوظهور توانسته‌اند در سال‌های اخیر موفقیت‌های چشمگیری را در این زمینه به دست آورند. بنابراین، الگوسازی تجارب این کشورها می‌تواند در افزایش صادرات کشور ایران نیز موثر واقع شود. هدف این پژوهش بررسی تاثیر عوامل نهادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیرهای بهره‌وری عوامل تولید، سرمایه‌انسانی و مخارج تحقیق و توسعه از عوامل بنیادی بر عملکرد صادراتی کشورهای نوظهور مثبت و معنادار و اثر متغیر هزینه نیروی کار منفی و معنی‌دار است. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که اثر متغیرهای حکمرانی خوب به‌عنوان شاخص عوامل نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور مثبت و معنی‌دار است. نتایج این مطالعه حاکی از این موضوع است که کاهش هزینه‌های تولید، ریسک و تقویت بنیان‌های نهادی کشورهای نوظهور توانسته است ترتیبات سرمایه‌گذاری و تولید در این کشورها را تقویت کرده و در نهایت منجر به افزایش صادرات کشورهای موردنظر شود. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که اثر متغیر مخارج مصرفی جامعه بر عملکرد صادراتی کشورهای منتخب نوظهور منفی و معنادار و اثر متغیر مالیت در یافتی دولت بر عملکرد صادراتی به‌صورت منحنی U معکوس است. نتایج این تحقیق نشان داد کشورهای مختلف برای افزایش صادرات، باید علاوه بر روش‌های مرسوم از قبیل افزایش نرخ ارز، جوایز صادراتی و...، مانند کشورهای نوظهور به عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی نیز توجه کرده و اصلاحاتی را اجرا کنند که ناکارآمدی‌های مرتبط با بازار کالا و نیروی کار را کاهش دهد.

طبقه‌بندی JEL: O17، E62، F13.

کلیدواژه‌ها: عوامل بنیادی، متغیرهای نهادی، صادرات، کشورهای نوظهور.

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران - نویسنده مسئول، پست الکترونیکی:

alisarkhosh1988@gmail.com

** دانشیار اقتصاد گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، پست الکترونیکی:

khadijh.nasrollahi@gmail.com

*** استاد اقتصاد گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، پست الکترونیکی:

azarbaejani@yahoo.co.in

۱- مقدمه

تجارت بین‌الملل نقش مهم و فزاینده‌ای را در اقتصاد ایفا می‌کند. حجم تجارت جهانی در دهه‌های اخیر افزایش یافته و تاثیر بسزایی در رشد اقتصادی کشورها داشته است (سازمان تجارت جهانی^۱، ۲۰۱۶). همچنین عملکرد صادراتی کشورها از اهمیت زیادی برای اقتصاددانان و سیاست‌گذاران برخوردار است. صادرات با افزایش تقاضا، تاثیرات مثبتی بر GDP و اشتغال داشته و به بهبود تعادل تجاری و کاهش کسری بودجه کمک می‌کند به همین خاطر یکی از عوامل مهم دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار رونق صادرات است که مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاری در بخش تجارت خارجی را نیز تشکیل می‌دهد (بالاسا^۲، ۱۹۷۸؛ کوآن و همکاران^۳، ۱۹۹۶ و بادینگر و توندل^۴، ۲۰۰۳). در حالی که معمولاً صادرات را تابع متغیرهای قیمتی مثل نرخ ارز، سیاست‌های ارزی، سیاست‌های پولی و قیمت‌ها می‌دانند اما در نظریه‌های جدید اقتصاد بین‌الملل بر اهمیت بسیار بالای عوامل غیرقیمتی مانند کیفیت نهادها، فعالیت‌های تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی و... توجه جدی شده است (دلار و کرای^۵، ۲۰۰۳).

علاوه بر این، کشورهای در حال توسعه باید مراحل معینی را طی کنند تا امکان حضور آن‌ها در بازارهای جهانی به‌عنوان صادرکننده فراهم شود. شرط لازم برای تحقق این مهم آن است که کشور موردنظر، دارای ساختار مناسب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بخش‌های مختلف جامعه بوده و فضای مساعد برای سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا، برقراری و گسترش فضای امن اقتصادی در چارچوب قوانین و مقررات شفاف و تسهیل‌کننده فرایند تولید و تجارت، فراهم شود. در واقع، تحت این شرایط امکان گسترش بخش خصوصی و صادرات فراهم و حضور کشور در عرصه تجارت جهانی تسریع شده که در نهایت با افزایش درجه باز بودن تجاری، دخالت دولت در اقتصاد کم و بازار به شرایط رقابتی نزدیک‌تر و در نتیجه تولیدکنندگان داخلی می‌توانند هر چه بیشتر از ظرفیت واحدهای

1- World Trade Statistical Review 2016

2- Balassa

3- Kwan and *et al.*

4- Badinger and Tondl

5- Dollar and Kraay

تحلیل تأثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۳۱

تولیدی خود استفاده کرده و برای حفظ و افزایش توان رقابت خود در بازارهای داخلی و خارجی نسبت به بهبود و ارتقای سطح فناوری مورد استفاده خود بیشتر تلاش کنند.

از اواسط دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های تعدیل اقتصادی جهت افزایش رشد اقتصادی و توسعه پایدار و به موازات آن رونق صادرات، مورد انتقاد گسترده اقتصاددانان نهادگرا و در راس آن‌ها جوزف استیگلیتز^۱ قرار گرفت. استیگلیتز معتقد است رابطه سازنده دولت-بازار می‌تواند راهگشای موفقیت فرآیند اصلاحات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه باشد (میرزا ابراهیمی، ۱۳۸۵). در این نظریات دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند، نه دو نهاد رقیب. در واقع دولت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز باید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به‌دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر موجبات رشد اقتصادی که یکی از ابزارهای آن گسترش صادرات است را فراهم سازد (مهدوی و عادل، ۱۳۸۷). تدارک موفقیت‌آمیز این عوامل اغلب تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب، سرمایه‌انسانی بالا، افزایش تحقیق و توسعه و افزایش بهره‌وری مطرح می‌شود. حکمرانی خوب شامل ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت، ثبات سیاسی، کارایی دولت، تنظیم قوانین و مقررات و ... بدون محدود شدن مبادلات بازار است (رزمی و همکاران، ۱۳۹۰). برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مستمر و پایدار باید افزایش نقش بهره‌وری کل، سرمایه‌انسانی و تحقیق و توسعه در صادرات را نیز در نظر داشت. رشد بهره‌وری کل، سرمایه‌انسانی و تحقیق و توسعه و نوآوری موجب کاهش هزینه‌های تولید و افزایش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان و صادرکنندگان بازارهای جهانی شده و در نتیجه سبب کاهش سطح قیمت‌ها، کاهش هزینه‌های متوسط تولید و افزایش سودآوری حاصل از ارائه محصولات تولیدی می‌شود. در نهایت این پیامد مثبت تأثیر مثبتی بر افزایش تقاضا و توان رقابتی محصولات داخلی در بازارهای بین‌المللی خواهد داشت. همچنین حکمرانی خوب می‌تواند بر نحوه، میزان و مسیر اثرگذاری تجارت بین‌الملل تعیین‌کننده باشد (یاوری و همکاران، ۱۳۸۹).

در این زمینه کشورهای نوظهور در چند دهه اخیر با تغییرات چشمگیری که در برنامه‌ها و ساختار اقتصادی خود ایجاد کرده‌اند، توانسته‌اند موفقیت زیادی به دست آورده و

موقعیت خود را در جهان از نظر سهم صادرات بهبود ببخشند. بررسی روند صادرات کشورهای نوظهور در چند دهه اخیر حاکی از افزایش قابل توجه سهم صادرات این کشورها (از ۱۹ درصد در سال ۱۹۹۰ به بیش از ۳۵ درصد در سال ۲۰۱۰) در تجارت جهانی است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۰). اما با وجود موفقیت کشورهای نوظهور در زمینه صادرات، تعدادی زیادی از کشورهای در حال توسعه دیگر نتوانسته‌اند به اهداف خود در این زمینه دست یابند. در ایران در چند سال گذشته یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد، کسری تراز تجاری و عدم رشد کافی صادرات بوده و با وجود استفاده روش‌های مختلف مانند افزایش نرخ ارز، جوایز صادراتی و...، دولت نتوانسته است به اهداف مورد نظر خود در این زمینه دست یابد. این موضوع می‌تواند ناشی از عدم شناسایی دقیق عوامل بنیادی و نهادی موثر در این زمینه و در نتیجه عدم لحاظ آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های تجاری باشد. از این رو، این موضوع باعث ضرورت شناخت بیشتر عوامل موثر بر صادرات شده است. به همین دلیل بررسی دلایل موفقیت کشورهای نوظهور و استفاده از تجارب آن‌ها در زمینه افزایش صادرات، می‌تواند به تصریح یک الگوی مناسب اقتصادی با قابلیت ارائه راهکارهای تجربی برای افزایش صادرات در ایران کمک کند.

اکنون با توجه به توضیحات بالا این سوال مطرح می‌شود که آیا رونق صادرات در کشورهای نوظهور متأثر از عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بوده است یا خیر؟ برای پاسخگویی به این سوال مجموعه‌ای از کشورهای نوظهور شامل برزیل، چین، اندونزی، هند، روسیه، ترکیه، مکزیک، لهستان، آفریقای جنوبی، تایلند و اوکراین را انتخاب و برای دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۰ فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

الف- بهبود عوامل بنیادی باعث افزایش صادرات در کشورهای نوظهور شده‌اند.

ب- بهبود متغیرهای نهادی باعث افزایش صادرات در کشورهای نوظهور شده‌اند.

مقاله حاضر نسبت به تحقیقات دیگر موجود در این زمینه دارای تفاوت‌هایی هم در زمینه نوع شاخص‌ها و متغیرهای به کاررفته، هم نمونه‌های کشورهای مورد بررسی و هم شیوه آزمون است. ترکیب شاخص‌های بنیادی و نهادی مورداستفاده در این مطالعه نسبت به دیگر مقالات متفاوت بوده و به نوعی انتخاب شده است تا حد ممکن بتواند تمام ابعاد

تحلیل تأثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۳۳

بنیادی و نهادی اعم از فضای خرد و فضای کلان را پوشش دهد. در ادامه این تحقیق بعد از مبانی نظری و ادبیات تحقیق، در بخش سوم الگوی پژوهش معرفی شده است. بخش چهارم به معرفی داده‌ها و اطلاعات اختصاص داده شده و در بخش پنجم روش‌شناسی اقتصادسنجی بیان شده است. در بخش ششم مطالعه نتایج و یافته‌های حاصل از الگو تحلیل شده و در نهایت بخش آخر مطالعه به نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی پرداخته است.

۲- مبانی نظری و ادبیات موضوع

۲-۱- عوامل بنیادی و صادرات

رابطه بین متغیر مهم و محوری صادرات با عوامل بنیادی اقتصاد به بحث کلی‌تر در مورد جایگاه این متغیرها در اقتصاد مربوط می‌شود. در مدل رشد نئو کینزین هارود-دومار^۱، رشد نئو کلاسیکی سولو-سوان^۲ و مدل‌های رشد درون‌زای رومر-لوکاس^۳، عوامل بنیادی مانند انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، رشد و ارتقا بهره‌وری و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به عنوان عوامل اصلی تعیین‌کننده رشد اقتصادی نام برده شده و به عقیده داگلاس نورث (۱۹۹۰) این عوامل، عوامل مستقیم و بی‌واسطه^۴ تعیین‌کننده رشد و توسعه اقتصادی هستند. اصولاً برای عمل کردن نظام قیمت‌ها به عنوان یک سازوکار علامت‌دهنده و تخصیص منابع به تامین حداقلی از متغیرهای غیرقیمتی و بنیادی مانند تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی و بهره‌وری نیاز است (شاگری، ۱۳۸۳). در این خصوص مطالعات متعددی صورت گرفته و محققان نظرات مختلفی بیان کرده‌اند. برخی صاحب‌نظران همچون عجم‌اغلو^۵ (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که در کشورهای توسعه‌یافته که از نهادهای قوی برخوردارند، دانش فنی و بهره‌وری به شکلی درون‌زا رشد کرده و قدرت رقابت‌پذیری می‌تواند به صورت انعطاف‌پذیری تغییر کند. در این وضعیت، می‌توان انتظار داشت متغیرهای قیمتی، وظیفه علامت‌دهی را به طور موثر انجام دهند و مدل‌های اقتصادی برحسب متغیرهای قیمتی تصریح و تفسیر شوند. به این معنی که اگر در اقتصاد نهادهای قانونی و اجتماعی مناسب

1- Harrod-Domar

2- Solow-Swan

3- Romer-Locuse

4- Proximate

5- Acemoglu

ایجاد شود، دانش حالت درون‌زا پیدا کند، کیفیت نهادینه شود، نوآوری و ابداع به‌طور خود‌افزا رشد کند، قدرت‌های انحصاری مهار و محدود شود و اختلال‌ها و موانع مربوط به تعامل پویای بخش‌ها از میان برداشته شود در آن صورت نظام قیمت‌ها به‌عنوان یک نیروی مفید وارد عمل شده و وظیفه مهم انتقال بدون هزینه اطلاعات، علامت‌دهی به عوامل اقتصادی و تخصیص بهتر منابع را به‌خوبی و به‌صورت کارآمد انجام می‌دهد (هافمیستر و همکاران^۱، ۲۰۰۹). بنابراین، در این دسته از کشورها، مدل‌سازی صادرات بیشتر بر مبنای متغیرهای قیمتی است.

دگزیت و استگلیر^۲ (۱۹۹۷) صادرات را تابع انباشت دانش داخلی و انباشت دانش خارجی می‌دانند. آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که بهره‌وری کل عوامل تولید اثر مثبت و معنی‌داری بر صادرات غیرنفتی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی دارد. کارلسن و همکاران^۳ (۲۰۰۶) بیان می‌دارند که دسترسی به فعالیت‌های تحقیق و توسعه درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای اثر مثبت بر صادرات دارد. بارناکیس و تسوکیس^۴ (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که سرمایه انسانی، بهره‌وری، مخارج تحقیق و توسعه اثر مثبت و هزینه نیروی کار اثر منفی روی صادرات در کشورهای OECD دارد. الهایرایکا و مباته^۵ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای نشان داده‌اند که زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری عمومی، سرمایه انسانی عوامل موثر بر تنوع صادرات در کشورهایی آفریقایی هستند. فرانکوئیس و مانچین^۶ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای نشان می‌دهند که تجارت بستگی به کیفیت نهادی و دسترسی صادرکنندگان و واردکنندگان به حمل‌ونقل و ارتباطات و توسعه زیرساخت‌ها دارد. بارناکیس و تسوکیس (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که انعطاف‌ناپذیری بازار محصول و بازار نیروی کار هم به‌طور مستقیم و هم از طریق کاهش اثربخشی هزینه‌های تحقیق و توسعه، ارتباط منفی با عملکرد صادراتی دارند.

بنابراین عوامل بنیادی اقتصاد مانند فعالیت‌های تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی و بهره‌وری با عوامل قیمتی مانند نرخ ارز، قیمت نهاده‌ها و هزینه‌ها در تاثیرگذاری باهم تقابل

1- Hoffmaister *et al.*

2- Dixit and Stiglitz

3- Carlsen *et al.*

4- Bournakis and Tsoukis

5- Elhiraika and Mbate

6- Francois and Manchin

ندارند، بلکه مکمل هم هستند و یا اینکه اساساً می‌توان گفت متغیرهای نوع اول زمینه و پیش‌شرط کارکرد مناسب متغیرهای نوع دوم هستند (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱). در این رابطه نیکوتی اسکارپتا^۱ (۲۰۰۳) نیز نشان داد که افزایش هزینه‌های نیروی کار در نهایت منجر به افزایش هزینه‌های تولید به صورت قابل ملاحظه شده و از حرکت منابع بدون صرف هزینه اضافی به سمت فعالیت‌های تولیدی جلوگیری می‌کند. در نتیجه هزینه مبادله را در کل اقتصاد افزایش می‌یابد و باعث کاهش تولید تمامی کالاها و از جمله کالاهای صادراتی شده که این به تناسب باعث کاهش صادرات در اقتصاد می‌شود.

احمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که تأثیر متغیرهای ورود سرمایه‌های خارجی و زیرساخت‌های اطلاعاتی در صادرات خدمات در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی (OIC) مثبت بوده و نرخ تورم عاملی بازدارنده برای صادرات خدمات در این کشورها است.

مونتوبیو و رامپا^۲ (۲۰۰۵) نشان دادند که فناوری و تغییر عوامل بنیادی تأثیر مهمی در شکل‌دهی الگوهای تجاری کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دارد. محمدی و فکاری سردهایی (۱۳۹۴) کیفیت نهادهای اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی را عوامل موثر بر تنوع صادرات دانسته و متغیرهای سرمایه‌گذاری خارجی، همچنین شاخص‌های کیفیت قوانین و مقررات، انتقادپذیری و پاسخ‌گویی را دارای اثرات مثبت تمرکز صادرات در ایران می‌دانند.

۲-۱-۲ متغیرهای نهادی و صادرات

پس از ناتوانی تئوری‌های رشد اقتصادی اشاره شده در قسمت قبل در تبیین رشد اقتصادی پایین و ناپایدار کشورهای فقیر، موج چهارم از تئوری‌های رشد در اقتصاد شکل گرفت که به مدل‌های نهادی و اقتصاد سیاسی از رشد معروف شدند. بر اساس این رویکرد، نهادها عامل عمیق^۳ تعیین‌کننده رشد و توسعه جوامع هستند (اسنودان و وان^۴، ۲۰۰۵).

1- Nicoletti and Scarpeta

2- Montobbio and Rampa

3- Deep Determinants of Economic Growth

4- Snowdon and Vane

نورث (۱۹۹۰)، نهادها را محدودیت‌های طراحی‌شده توسط انسان‌ها می‌داند که تعاملات بشری را شکل می‌دهند. به زبان فنی اقتصادی، نهادها مجموعه انتخاب‌های افراد را معین کرده و آن را محدود می‌کنند. براساس دیدگاه اقتصاددانان نهادگرا، نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند. مهم‌ترین کارکرد نهادها کاهش عدم اطمینان و هزینه‌های مبادله در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع است (کوز^۱، ۱۹۶۰).

در نظر گرفتن نقش نهادها به‌ویژه نهادهای بازار کار و نهادهای بازار محصول و محیط نظارتی بر عملکرد شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله صادرات از اهمیت خاصی برخوردار هستند. کوینگر و پرا^۲ (۲۰۰۷)، کناک و کیفیر^۳ (۱۹۹۵)، عجم اغلو و همکاران^۴ (۲۰۰۱)، گاندلچ و پلدام^۵ (۲۰۰۸) و درین^۶ (۲۰۱۲) نشان داده‌اند که کیفیت نهادها برای رشد و توسعه مهم است و رشد و توسعه لازمه افزایش صادرات است. نقش این عوامل در اثرگذاری بر اشتغال نیز به‌طور گسترده‌ای مورد بررسی و بحث قرار گرفته و نشان داده شده است که رقابت در بازار محصول بر دستمزدها و بیکاری و در نتیجه میزان تولیدات اقتصاد اثرگذار است (بلانچارد و والفرس^۷، ۲۰۰۰ و نیکل^۸، ۱۹۹۷).

از نظر گریفیث و همکاران^۹ (۲۰۰۷) مقررات دولتی مربوط به ورود شرکت‌های جدید نیز به‌عنوان مخل ورود شرکت‌ها و رشد تلقی می‌شود. گوارتنی و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که کیفیت نهادها برای سطح سرمایه‌گذاری و بهره‌وری مهم است در نتیجه ویژگی‌های نهادی و انعطاف‌ناپذیری ممکن است بر عملکرد صادراتی تاثیرگذار باشد. مطالعات اخیر نیز مانند بسلی و برگس^{۱۱} (۲۰۰۴)، رودریک^{۱۲} (۲۰۰۵) و آرنولد و

-
- 1- Coase
 - 2- Koeniger and Pra
 - 3- Knack and Keefer
 - 4- Acemoglu *et al.*
 - 5- Paldam and Gundlach
 - 6- Drine
 - 7- Blanchard and Wolfers
 - 8- Nickell
 - 9- Griffith *et al.*
 - 10- Gwartney *et al.*
 - 11- Besley and Burgess
 - 12- Rodrik

تحلیل تأثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۳۷

همکاران^۱ (۲۰۰۸) اشاره کرده‌اند که بازار انعطاف‌ناپذیر^۲ (سفت‌وسخت) افزایش تنظیم و آسیب به صنایع (به‌ویژه صنایعی که پتانسیل برتری در بازارهای بین‌المللی را دارند) را به دنبال دارد.

از دیدگاه اقتصاددانان تأثیر حکمرانی خوب به‌عنوان شاخص عوامل نهادی بر متغیرهای اقتصادی غیرقابل‌انکار است، دگزیت^۳ (۲۰۰۹) و اوگر^۴ (۲۰۱۲) حکمرانی خوب را از عوامل ضروری برای تامین پیش‌شرط‌های لازم برای اقتصاد بازار به‌صورت زیر می‌دانند: ۱- حکمرانی خوب می‌تواند متضمن تامین حق مالکیت باشد. بنابراین، حکمرانی خوب با تامین حق مالکیت، سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی را تضمین می‌کند و با توانا ساختن سرمایه‌گذاران در فعالیت‌های مختلف موجب گسترش انواع فعالیت‌ها از جمله صادرات می‌شود. ۲- بهبود حکمرانی اجرای قراردادها را تضمین کرده، هزینه‌های معاملاتی را کاهش داده و بنگاه‌ها را قادر به انتخاب فناوری‌های نوین می‌سازد. بنابراین، می‌تواند مشکلات مربوط به قراردادها را کاهش داده و موجب تشویق فعالیت‌های مختلف از جمله فعالیت‌های تجاری شود. ۳- بهبود حکمرانی مشکلات فعالیت‌های جمعی را حداقل می‌کند با درونی‌سازی پیامدها یا اثرات خارجی مرتبط با آن، انواع فعالیت‌ها مانند صادرات را افزایش می‌دهد.

حکمران با بهبود شاخص‌هایی از قبیل اثربخشی (کارایی) دولت، حاکمیت قانون، کیفیت قانون و کنترل فساد و ثبات سیاسی می‌تواند سهم عمده‌ای در گسترش صادرات داشته باشد (شاه‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۴). ارتباط دوطرفه بین نهادها و درجه باز بودن تجارت توسط دلار و کرای (۲۰۰۳)، گیاوازی و تابلینی^۵ (۲۰۰۵) و میون و سیک^۶ (۲۰۰۸) نیز بررسی شده است که نشان می‌دهد نهادها و کیفیت آن‌ها با الگوی تجارت در ارتباط است. لوچنکو^۷ (۲۰۰۷) و نان^۸ (۲۰۰۷) تفاوت‌های موجود در نهادهای کشور در مواردی

1- Arnold *et al.*

2- rigid markets

3- Dixit

4- Uger

5- Giavazzi and Tabellini

6- Meon and Sekk

7- Levchenko

8- Nunn

همچون کیفیت اجرای قراردادها و حقوق مالکیت را نشان داده و بیان کرده‌اند که از جمله عوامل مهم و اثرگذار بر تجارت هستند.

قدوسی و همکاران (۱۳۹۳) تاثیرگذاری نهادهای حاکمیتی بر صادرات و واردات کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی را تایید می‌کنند. شریفی و ملا اسماعیلی (۱۳۹۲) نشان دادند که شاخص‌های اثربخشی دولت و حاکمیت قانون اثر منفی و شاخص‌های کیفیت قوانین و کنترل فساد اثر مثبت بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب داشته‌اند. لی و همکاران^۱ (۲۰۱۳) نشان می‌دهند که سیستم‌های حقوقی با کیفیت بالاتر در محل‌های صادراتی، مرتبط با عملکرد صادراتی بالاتر بوده به خصوص هنگامی که شرکای تجاری با سطوح بالاتری از عدم قطعیت خارجی و داخلی مواجه باشند. علاوه بر این، هر چقدر دسترسی شرکتها به نهادهای غیر رسمی محلی در مقایسه با نهادهای قانونی رسمی کمتر باشد، از وضعیت توسعه یافتگی بالاتر، هزینه‌های مبادله‌ای کمتر و فرصتهای سودآور بیشتری برخوردارند. تمامی مطالعات موجود این ارتباط مستقیم را تایید نمی‌کنند به طوری که در مطالعه‌ای چونگ و چانگ^۲ (۲۰۰۷) اشاره می‌کنند برخی از کشورها با حکمرانی ضعیف در قیاس با دیگر کشورها ممکن است از عملکرد بهتری در سرمایه‌گذاری و تجارت برخوردار باشند. به‌عنوان مثال، کشور اندونزی رشد قابل توجهی را تحت دیکتاتوری سوهارتو تجربه کرد.

طبق مطالعه ویلیامز^۳ اگر شاخص ثبات سیاسی را برای اندازه‌گیری کیفیت نهادی محاسبه کنیم آنگاه تمام کشورهایی که دارای حکومت‌های دیکتاتوری هستند مانند جمهوری کنگو رتبه‌های بالایی می‌گیرند در صورتی که این کشورها از نظر دستگاه قضایی، اجرای قانون، حقوق مالکیت و... دارای وضعیت مناسبی نیستند (ویلیامز، ۲۰۰۶).

در خصوص اثرگذاری فساد بر صادرات و واردات نیز می‌توان بیان داشت، فساد می‌تواند هزینه‌های دولتی را از مسیر خود منحرف کند و اصلاحات تجاری را به تاخیر بیندازد و تجارت را کاهش دهد (آذفر و لی^۴، ۲۰۰۱؛ دیونگ و اودو^۱، ۲۰۰۶ و دوت و

1- Li *et al.*

2- Cheong and Chang

3- Williams

4- Azfar and Lee

تراکا^۲، ۲۰۰۹). البته بعضی از محققان بر این باور هستند که فساد می‌تواند سبب عملکرد کارای عرضه و تقاضا شود. از دیدگاه آن‌ها در مزایده‌هایی که به صورت رقابتی برای قراردادهای دولتی شکل می‌گیرد، این کاراثرین بنگاه‌ها هستند که می‌توانند با وجود پرداخت رشوه‌های بالا به دلیل هزینه‌های اندکی که در مقایسه با سایر بنگاه‌ها دارند، سوددهی خود را حفظ کنند و بنابراین قراردادها به کاراثرین بنگاه‌ها می‌رسد (کافمن^۳، ۱۹۹۷). همچنین در اقتصادهایی که دارای نهادهای دولتی و تعرفه‌های بالای تجاری و گمرکی هستند، فساد می‌تواند با از میان برداشتن موانعی که توسط دولت بر اقتصاد تحمیل می‌شود به منزله روان‌کننده چرخه‌های تجارت تلقی شود (روز-آکرمن^۴، ۲۰۰۶). همچنین فساد باعث می‌شود کارآفرینان بتوانند از قوانین و مقررات دست و پاگیر و بوروکراسی اداری رهایی یابند (لویی^۵، ۱۹۸۵). به عنوان مثال، کشور چین با وجود فساد بسیار زیاد، سرمایه‌گذاری قابل توجهی را به سمت خود جلب کرده است. بنابراین بیان می‌دارند فقط تمرکز بر حکمرانی خوب برای بهبود تجارت، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی لزوماً درست نیست (ولر و اولمر^۶، ۲۰۰۸).

از دیدگاه بسیاری از محققان نظریه روان‌کننده چرخه‌های تجارت مربوط به آسیا است و کشورهای اندونزی و تایلند با وجود فساد زیاد، رشد اقتصادی زیادی را تجربه کرده‌اند، اما با وقوع بحران مالی شرق آسیا نظریه روان‌کننده چرخه‌های تجارت نیز افول کرد (وی^۷، ۲۰۰۰). در مجموع می‌توان گفت، وجود سطح مناسب حکمرانی، بستر لازم را برای بهبود صادرات و واردات فراهم می‌کند. این فرآیند علاوه بر داشتن نهاد حکمرانی مناسب، نیازمند عوامل بسترساز دیگری نیز هست، اما در این میان کیفیت حکمرانی عاملی اساسی به شمار می‌رود و بدون آن -حتی در صورت عوامل زیربنایی- صادرات و واردات به طور مطلوب تحقق نمی‌یابد.

-
- 1- Dejong and Udo
 - 2- Dutt and Traca
 - 3- Kaufmann
 - 4- Rose - Ackerman
 - 5- Lui
 - 6- Weller and Ulmer
 - 7- Wei

مرور ادبیات موضوع نشان می‌دهد که توسعه صادرات در بسیاری از کشورها و به خصوص کشورها نوظهور توسط متغیرهای قیمتی قابل توضیح نبوده و تعدادی از عوامل نامشخص و مهم که با عنوان «ویژگی‌های ساختاری سطحی و عمیق» معرفی شده‌اند از اهمیت زیادی برخوردار هستند. در این مقاله به نقش این مجموعه از عوامل در شکل‌گیری عملکرد صادرات، یعنی متغیرهای بنیادی و نهادی پرداخته می‌شود.

۳- الگوی پژوهش

الگوی استفاده‌شده در این تحقیق برگرفته از مطالعه بارناکیس و تسوکیس (۲۰۱۶) است که در آن ارتباط عوامل بنیادی مشخص از قبیل هزینه هر واحد نیروی کار، سرمایه انسانی، بهره‌وری عوامل تولید، مخارج تحقیق و توسعه و میزان مخارج مصرفی جامعه و نقش دولت از طریق مالیات و متغیرهای حکمرانی خوب به‌عنوان شاخص عوامل نهادی با صادرات موردبررسی تجربی قرار می‌گیرد. در این مطالعه نیز همانند مطالعات لانگانی و همکاران^۱ (۲۰۱۷)، بارناکیس و تسوکیس (۲۰۱۶)، اوکون-کوزلویسکی^۲ (۲۰۱۶) از متغیر سهم صادرات کشور مزبور از کل صادرات جهان به‌عنوان شاخص عملکرد صادراتی کشورها استفاده می‌شود. استفاده از این شاخص برعکس شاخص‌های معمول مانند ارزش صادرات و نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی و یا ارزش صادرات به نحو بهتری بازگوکننده موفقیت یا عدم موفقیت کشورها در گسترش صادرات در سطح بین‌المللی است (لانگانی و همکاران ۲۰۱۷).

بر اساس ادبیات اقتصاد بین‌الملل مانند نظریات هکشر-اوهلین^۳، میان برخورداری از عوامل تولید در یک اقتصاد و الگوی تجارت، ارتباط متقابلی بر اساس مزیت نسبی در تولید وجود دارد. از این رو، بسیاری از اقتصاددانان یکی از دلایل رشد اقتصادی و رشد صادرات کشورهای نوظهور را نیروی کار ارزان و پایین بودن دستمزد در این کشورها نسبت به کشورهای توسعه‌یافته می‌دانند. هزینه هر واحد نیروی کار به‌عنوان عامل موثر بر صادرات توسط کارلین و همکاران^۴ (۲۰۰۱)، کاولارو مولینو^۱ (۲۰۰۹)، فاگربرگ^۲

1- Loungani *et al.*

2- Okun-Kozlowicki

3- Heckscher-Ohlin

4- Carlin *et al.*

تحلیل تأثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۴۱

(۱۹۸۸)، و لیون-لیدیسما^۳ (۲۰۰۵) شناخته شده است. بنابراین، هزینه واحد نیروی کار هم به عنوان یکی از عوامل بنیادی در تخمین ها وارد مدل شده است.

علاوه بر این، بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP)^۴ یکی از منابع عمده رشد اقتصادی و افزایش صادرات محسوب می‌شود. مطالعات ناچگا و فونتاین^۵ (۲۰۰۶)، اوگنلی و آینی^۶ (۲۰۰۸)، بایر و همکاران^۷ (۲۰۰۶) و بانک جهانی^۸ (۲۰۰۷) همگی تایید کننده رابطه مستقیم بهره‌وری و سرمایه انسانی با صادرات هستند. بنابراین، در کنار پایین بودن هزینه نیروی کار توجه به بهره‌وری نیروی کار و سرمایه انسانی ضروری به نظر می‌رسد.

به دلیل اینکه یکی از عوامل اصلی تمایز و تفاوت محصول میزان تحقیق و توسعه در بنگاه‌های اقتصادی است در نظریه‌های جدید تجارت بر میزان تحقیق و توسعه به عنوان یک عامل کلیدی صادرات تاکید می‌شود (هلپمن و کروگمن^۹، ۱۹۸۵). در نتیجه در این مطالعه نیز از این متغیر به عنوان یکی از متغیرهای بنیادی صادرات استفاده می‌شود. در نهایت با توجه به مبانی نظری موجود سهم مخارج مصرفی جامعه (نسبت مصرف به تولید ناخالص داخلی) به عنوان شاخصی برای فشار تقاضای داخلی و نرخ ارز نیز به عنوان دیگر متغیرهای کنترل در مدل به کار رفته است.

در این مطالعه از نسبت درآمد مالیاتی کل به تولید ناخالص ملی به عنوان یک متغیر جانشین^{۱۱} برای اندازه دولت و سیاست‌های مالی دولت استفاده می‌شود. همچنین برای بررسی منحنی U معکوس بارو^{۱۱} از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۰ از دو متغیر درآمد مالیاتی کل به تولید ناخالص ملی در مدل استفاده شده است. بارو^{۱۱} در مطالعه‌ای با عنوان «هزینه‌های دولت در یک مدل ساده رشد درونزا» استدلال می‌کند که رابطه مخارج دولت با رشد اقتصادی به صورت U معکوس است. به این معنی که افزایش مخارج دولت و مالیات در مراحل

-
- 1- Cavallaro and Mulino
 - 2- Fagerberg
 - 3- León-Ledesma
 - 4- Total Factor Productivity
 - 5- Nacheга and Fontaine
 - 6- Ogunleye and Ayeni
 - 7- Baier *et al.*
 - 8- World Bank
 - 9- Helpman and Krugman
 - 10- Proxy
 - 11- Robert Barro

ابتدایی رشد و توسعه به علت ایجاد نهادهای حاکمیتی و قانونی در جامعه زمینه ایجاد و تثبیت نهادها را فراهم کرده و در نتیجه باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود، اما پس از یک نقطه بهینه، افزایش مخارج و مالیات‌ها باعث افزایش دخالت دولت و برون‌رانی بخش خصوصی شده و در نتیجه باعث کاهش رشد اقتصادی و به طبع آن کاهش صادرات می‌شود. همچنین هزینه‌های دولت و مالیات‌ها می‌تواند با پرداخت‌های انتقالی و دیگر انواع مخارج اجتماعی و افزایش خدمات عمومی، بهره‌وری را تقویت کرده و باعث افزایش صادرات شود یا برعکس پرداخت مالیات ممکن است تنها اثر بازدارنده و اختلال‌زا بدون هیچ‌گونه اثری بر بهره‌وری داشته باشد.

هدف دوم این مطالعه بررسی نقش «نهادها» به ویژه نهادهای بازار کار، بازار محصول و محیط نظارتی بر عملکرد صادرات است. انعطاف‌ناپذیری نهادی^۱ به احتمال زیاد بر تحولات اقتصادی و سیاسی اثرگذار است و به‌طور غیرمستقیم پویایی‌های اقتصاد و محیط نوآورانه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب، چنین عدم انعطاف‌هایی در مورد اثربخشی تحقیق و توسعه، در ایجاد یک اقتصاد دانش‌بنیان با یک مزیت رقابتی در نوآوری و کیفیت محصول بسیار مهم است و می‌تواند تاثیرگذار باشد (بارناکیس و تسوکیس، ۲۰۱۶). بنابراین متغیرهای حکمرانی خوب به‌عنوان شاخص انعطاف‌ناپذیری نهادی در رگرسیون‌ها هم به‌صورت جداگانه و هم به‌صورت نحوه تعامل با هزینه تحقیق و توسعه (مخارج R&D بر GDP) در الگو وارد شده است. از آنجا که شاخص‌های نهادی با یکدیگر همبستگی بالایی دارند که برآورد آن‌ها را در یک معادله رگرسیون واحد ناممکن می‌سازد (کیمیایی و ارباب‌افضلی، ۱۳۹۵) برای دوری از این مشکل در حالات جداگانه شاخص‌های حکمرانی وارد مدل می‌شود. بنابراین مدل مطالعه در شش حالت تصریح شده و در هر تصریح از یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب که توسط کافمن^۲ ارائه شده، استفاده می‌شود.

با توضیحات بالا و با توجه به مبانی نظری و آمار و اطلاعات موجود در نهایت مدل استفاده‌شده به‌صورت رابطه (۱) است.

1- Institutional Rigidities

2- Kaufmann

(۱)

$$\begin{aligned} \text{Exp}_{c,t} &= \beta_0 + \beta_1 \text{RULC}_{c,t} + \beta_2 \text{R\&D}_{c,t} + \beta_3 \text{TFP}_{c,t} + \beta_4 \text{HC}_{c,t} + \beta_5 \text{SOC}_{c,t} \\ &+ \beta_6 \text{Tax}_{c,t} + \beta_7 (\text{Tax}_{c,t})^2 + \beta_8 \text{Ins}_{c,t}^h + \beta_9 (\text{R\&D}_{c,t} * \text{Ins}_{c,t}^h) \\ &+ \beta_{10} \text{RER}_{c,t} + u_{c,t} \end{aligned}$$

که در آن $\text{Exp}_{c,t}$: نشان‌دهنده سهم صادرات کشور c از کل صادرات جهان در سال t ، $\text{RULC}_{c,t}$: شاخص هزینه نیروی کار (دستمزد) در کشور c و در سال t ، $\text{R\&D}_{c,t}$: نسبت هزینه تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی در کشور c و در سال t ، $\text{TFP}_{c,t}$: شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید در کشور c و در سال t ، $\text{HC}_{c,t}$: شاخص سرمایه انسانی (تعداد افراد دارای سطح سوم آموزش) در کشور c و در سال t ، $\text{SOC}_{c,t}$: سهم مخارج مصرفی جامعه (نسبت مصرف کل به تولید ناخالص داخلی) در کشور c و در سال t ، $\text{Tax}_{c,t}$: نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در کشور c و در سال t ، $\text{Ins}_{c,t}^h$: شاخص‌های حکمرانی خوب در کشور c و در سال t (h: حق اظهارنظر و پاسخگویی، حاکمیت قانون، کارایی دولت، ثبات سیاسی، قوانین و مقررات و کنترل فساد) و $\text{RER}_{c,t}$: نرخ ارز رسمی به قیمت متوسط سال t در کشور c است.

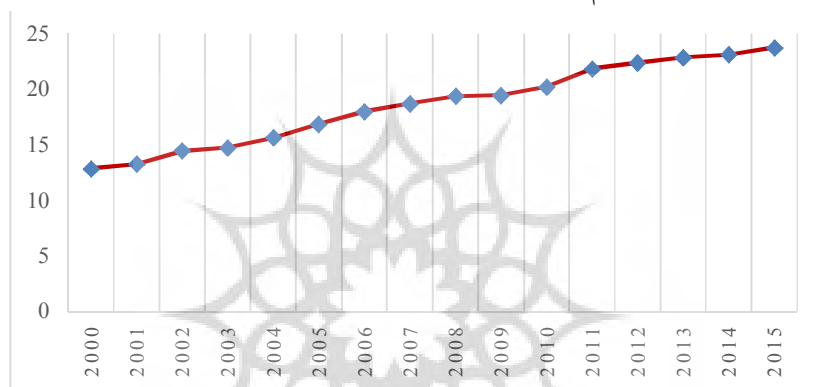
۴- داده‌ها و اطلاعات

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه پژوهش، به صورت توصیفی تحلیلی است. قلمرو مکانی این تحقیق کشورهای منتخب نوظهور شامل برزیل، چین، اندونزی، هند، مکزیک، روسیه، ترکیه، لهستان، اوکراین، آفریقای جنوبی و تایلند است. همچنین دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ میلادی است و داده‌های این

-
- 1- Percent of world exports
 - 2- Wage and salaried workers, total (% of total employment)
 - 3- Research and development expenditure (% of GDP)
 - 4- Total Factor Productivity Level at Current Purchasing Power Parities
 - 5- School enrollment, tertiary (% gross)
 - 6- Official exchange rate (LCU per US\$, period average)

تحقیق از سایت بانک جهانی^۱ و صندوق بین‌المللی پول^۲ و بانک مرکزی امریکا^۳ گردآوری شده است. کشورهای نوظهور این مطالعه براساس شاخص^۴ MSCI (Emerging Market Index) و همچنین شاخص^۵ (EMGP) از مرکز بین‌المللی سرمایه‌گذاری پایدار دانشگاه کلمبیا انتخاب شده‌اند. بر اساس اطلاعات نمودار (۱) سهم صادرات کشورهای نوظهور منتخب از صادرات جهانی از ۱۲/۸۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۳/۱ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است.

نمودار (۱): سهم صادرات کشورهای نوظهور منتخب از صادرات جهانی



منبع: یافته‌های پژوهش

۵- روش‌شناسی اقتصادسنجی

۵-۱- داده‌های تابلویی

در این مطالعه به منظور تجزیه و تحلیل ارتباط میان عوامل بنیادی و نهادی با صادرات در کشورهای نوظهور، روش مربوط به داده‌های تابلویی به کار گرفته می‌شوند به کارگیری این داده‌ها نسبت به داده‌های سری زمانی و مقطعی از مزایای قابل توجهی در این زمینه برخوردار است. از آنجا که داده‌های تابلویی به افراد، بنگاه‌ها و از این قبیل واحدها در زمان

1- World Bank

2- International Monetary Fund

3- Federal Reserve Bank of St. Louis

4- <https://www.msci.com/emerging-markets>

5- Emerging Market Global Players: <http://ccsi.columbia.edu/publications/emgp>

ارتباط دارند، وجود ناهمسانی واریانس در این واحدها محدود، همخطی میان متغیرها کمتر و درجات آزادی و کارایی بیشتری ارائه می‌کنند. با مطالعه مشاهدات مقطعی تکراری در زمینه اثرگذاری عوامل بنیادی و نهادی بر صادرات، داده‌های ترکیبی به‌منظور مطالعه پویای تغییرات مناسب‌تر و بهتر بوده و تاثیراتی را که نمی‌توان به‌سادگی در داده‌ها مقطعی و سری زمانی در این زمینه مشاهده کرد، بهتر معین می‌کنند. همچنین داده‌های تابلویی با ارائه داده برای واحدهای مختلف، می‌توانند تورشی را که ممکن است در نتیجه لحاظ افراد یا بنگاه‌ها (به‌صورت جمعی و کلی) حاصل شود، حداقل سازند (بالتاجی^۱، ۲۰۰۵).

۵-۲- نتایج آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

پیش از برآورد الگو لازم است مانایی تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمین‌ها مورد آزمون قرار گیرد، زیرا مانا نبودن متغیرها چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه در مورد داده‌های تابلویی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود. برای بررسی مانایی در داده‌های تابلویی از آزمون‌های لوین لین چو^۲، ایم، پسران و شین^۳، برتونگک^۴، فیشر^۵ و هادری^۶ استفاده می‌شود (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱). در این پژوهش برای آزمون مانایی از آزمون لوین لین چو استفاده شده است. در این آزمون فرضیه صفر، مبتنی بر عدم مانایی و فرضیه مخالف مبتنی بر مانایی متغیرها است. مانایی متغیرهای تحقیق در گروه کشورهای منتخب نوظهور بررسی و در جدول (۱) نشان داده شده است.

همان‌طوری که نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد همه متغیرهای تحقیق در سطح مانا نیستند و تعدادی از متغیرها نامانا از درجه یک بوده و با تفاضل‌گیری مرتبه اول مانا می‌شوند. بنابراین، ضروری است که برای اطمینان از جعلی نبودن رگرسیون و قابلیت اطمینان به برآورد به‌دست آمده از پارامترها، آزمون هم‌جمعی برای معادلات برآورد شده انجام گیرد.

-
- 1- Baltagi
 - 2- Levin, Lin, Chu
 - 3- Im, Pesaran, Shin
 - 4- Breitung
 - 5- Fisher
 - 6- Hadri

۴۶ فصلنامه علمی پژوهشنامه اقتصادی، سال بیستم، شماره ۷۷، تابستان ۱۳۹۹

جدول (۱): نتایج آزمون مانایی متغیرها

نتیجه	در سطح		با یکبار تفاضل گیری		نماد	متغیر
	احتمال	آماره لوین، لین و چو	احتمال	آماره لوین، لین و چو		
I(1)	۰/۰۰۰۰	-۴/۷۰۷	۰/۰۵۳۲	-۱/۶۱۴	EXPORT	صادرات
I(1)	۰/۰۰۰۰	-۴/۵۹۴	۰/۳۷۳۶	-۰/۳۲۲	RULC	هزینه نیروی کار
I(1)	۰/۰۰۰۵	-۳/۲۹۷	۰/۹۱۳۸	۱/۳۶۴	RAD	هزینه تحقیق و توسعه
I(0)	۰/۰۰۳۲	-۲/۷۲۸	۰/۰۰۵۹	-۲/۵۱۶	TFP	بهره‌وری کل عوامل تولید
I(1)	۰/۰۰۱۴	-۲/۹۷۸	۰/۸۰۴۸	۰/۸۵۸	HC	سرمایه انسانی
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۴/۸۸۸	۰/۰۰۸۳	-۲/۳۹۳	SOC	سهم مخارج مصرفی جامعه
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۵/۴۲۸	۰/۰۱۰۶	-۲/۳۰۵	TAX	مالیات دریافتی
I(1)	۰/۰۰۹۱	-۲/۳۶۳	۰/۹۵۳۸	۱/۶۸۲	TAX ²	مالیات دریافتی به توان ۲
I(1)	۰/۰۰۰۰	-۴/۶۶۲	۰/۹۸۲۹	۲/۱۱۸	RER	نرخ ارز
I(1)	۰/۰۰۰۰	-۴/۲۱۱	۰/۱۴۴۳	-۱/۰۶۱	VOI	حق اظهارنظر و پاسخگویی
I(0)	۰/۰۰۰۱	-۳/۷۰۷۷	۰/۰۰۰۱	-۳/۸۱۴	POL	ثبات سیاسی
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۶/۲۹۲	۰/۰۱۱۲	-۲/۲۸۵	GOV	کارایی دولت
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۷/۷۸۹	۰/۰۰۲۵	-۲/۸۰۹	REG	حاکمیت قانون
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۷/۵۵۴	۰/۰۱۹۹	-۲/۰۵۵	RULE	قوانین و مقررات
I(1)	۰/۰۰۲۰	-۲/۸۷۴	۰/۶۲۴۹	۰/۳۱۸۴	CORR	کنترل فساد
I(1)	۰/۰۰۰۰	-۷/۸۸۶	۰/۵۰۴۷	۰/۰۱۱۷	VOI*RAD	حق اظهارنظر و پاسخگویی*تحقیق و توسعه
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۱۰/۲۹۸۶	۰/۰۲۲۵	-۲/۰۰۴	POL*RAD	ثبات سیاسی*تحقیق و توسعه

تحلیل تأثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۴۷

ادامه جدول (۱) -

نتیجه	با یکبار تفاضل گیری		در سطح		نماد	متغیر
	احتمال	آماره لوین، لین و چو	احتمال	آماره لوین، لین و چو		
I(1)	۰/۰۰۰۰	-۸/۰۶۷	۰/۹۴۷۶	۱/۶۲۲	GOV*RAD	کارایی دولت * تحقیق و توسعه
I(1)	۰/۰۰۰۰	-۸/۹۲۴	۰/۴۲۹۰	-۰/۱۷۸	REG*RAD	حاکمیت قانون * تحقیق و توسعه
I(1)	۰/۰۰۰۰	-۸/۷۲۶	۰/۸۸۷۷	۱/۲۱۴	RULE*RAD	قوانین و مقررات * تحقیق و توسعه
I(1)	۰/۰۰۹۲	-۲/۵۵۹	۰/۶۴۵۹	۰/۳۷۴۲	CORR*RAD	کنترل فساد * تحقیق و توسعه

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۳- آزمون هم‌جمعی^۱

مفهوم هم‌جمعی به معنی وجود یک رابطه بلندمدت تعادلی بین دو یا تعداد بیشتری متغیر است. تعبیر اقتصادی هم‌جمعی این است که اگر دو یا چند متغیر به همراه هم، یک رابطه تعادلی بلندمدت تشکیل بدهند، حتی اگر هر یک از متغیرها به تنهایی در کوتاه‌مدت از آن تعادل منحرف شود در تعادل بلندمدت مجموعه متغیرها در یک ارتباط نزدیک به هم حرکت خواهند کرد. وجود هماهنگی در حرکت بین سری‌های زمانی ایده اصلی هم‌جمعی است. این هماهنگی مبین آن است که احتمالاً یک رابطه تعادلی بلندمدت بین سری‌های زمانی موجود در معادله وجود دارد. به سخنی دیگر، در صورت صحیح بودن یک نظریه اقتصادی و ارتباط مجموعه‌ای از این متغیرها، انتظار داریم که ترکیبی از این متغیرها در بلندمدت، ایستا و بدون روند باشند. در این مطالعه برای بررسی هم‌جمعی بین متغیرهای پژوهش از آزمون کائو^۲ استفاده شده است. نتایج آزمون هم‌جمعی برای هر شش

1- Cointegration

2- Kao

تصریح (که در هر کدام از آن‌ها یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب استفاده شده است) در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون هم‌جمعی کائو

شماره تصریح	آماره T	احتمال
اول	-۲/۱۸۷۷۷۹	۰/۰۱۴۳
دوم	-۲/۸۹۷۶۹۴	۰/۰۰۱۹
سوم	-۲/۵۸۷۰۴۷	۰/۰۰۴۸
چهارم	-۳/۸۵۰۶۵۴	۰/۰۰۰۱
پنجم	-۲/۲۰۶۱۷۸	۰/۰۱۳۷
ششم	-۳/۶۶۵۵۴۷	۰/۰۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه صفر آزمون کائو نشان‌دهنده عدم وجود هم‌جمعی بین متغیرها و فرضیه مقابل نشان‌دهنده وجود هم‌جمعی بین متغیرها در تمامی مقطع‌ها است. با توجه به جدول (۲) نتایج آزمون ریشه واحد بر جملات باقی‌مانده معادلات برآورد شده دلالت بر آن دارد که فرضیه صفر آزمون رد می‌شود و فرضیه مقابل پذیرفته می‌شود. بنابراین، متغیرهای موجود به شیوه تصریح شده در معادلات دارای ارتباط بلندمدت باهم بوده و هم جمع هستند. از این رو، هیچ کدام از معادلات برآورد شده جعلی نبوده و رگرسیون‌های برآوردی کاذب نیست، بنابراین قابل اطمینان هستند.

۵-۴- آزمون F لیمر^۱

در داده‌های تابلویی ابتدا لازم است آزمون‌های آماری لازم برای تبیین نوع داده‌ها انجام گیرد. نتایج آزمون F لیمر در جدول (۳) برای هر یک از تصریح‌های مطالعه نشان داده شده است. در این آزمون فرضیه صفر نشان‌دهنده تلفیقی (Pool) بودن داده‌ها و فرضیه مخالف نشان‌دهنده غیرتلفیقی یا تصادفی (Random) بودن داده‌ها است. همان‌طور که در جدول

تحلیل تاثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۴۹

(۳) نشان داده شده است احتمال آماره در تمامی تصریح‌ها کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر آزمون مبنی بر تلفیقی (pool) بودن داده‌ها برای تمامی تصریح‌ها رد می‌شود.

۵-۵- آزمون هاسمن^۱

با توجه به آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی انجام گیرد. در این آزمون فرضیه صفر نشان‌دهنده اثرات ثابت (Fixed Effect) بودن داده‌ها و فرضیه مخالف نشان‌دهنده تصادفی بودن (Random) بودن داده‌ها است. همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود مقدار احتمال مربوط به این آماره برای تمامی تصریح‌ها از ۵ درصد کمتر است پس فرضیه صفر رد می‌شود. بنابراین، نتیجه آزمون هاسمن برای مدل پژوهش نشان می‌دهد که داده‌ها، تابلویی با اثرات ثابت هستند. بنابراین مدل پژوهش برای تمامی تصریح‌های موردنظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده می‌شود.

جدول (۳): نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

شماره تصریح	نوع آزمون	آماره	احتمال آماره	نتیجه
اول	F لیمر	۸۵/۱۴۲۳۰۹	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی
اول	هاسمن	۸۵۱/۴۲۳۰۸۸	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
دوم	F لیمر	۹۷/۹۲۸۴۹۶	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی
دوم	هاسمن	۹۸۹/۲۸۴۹۵۸	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
سوم	F لیمر	۵۸/۹۴۱۲۲۵	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی
سوم	هاسمن	۵۸۹/۴۱۲۲۴۶	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
چهارم	F لیمر	۸۴/۱۴۳۹۹۰	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی
چهارم	هاسمن	۸۴۱/۴۳۹۸۶۲	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
پنجم	F لیمر	۸۱/۲۷۱۰۲۸	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی
پنجم	هاسمن	۸۱۲/۷۱۰۲۷۹	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
ششم	F لیمر	۱۱۰/۲۴۲۷۰۶	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی
ششم	هاسمن	۱۱۰۲/۴۲۷۰۵۸	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

۶- نتایج و یافته‌ها

بر اساس نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، ابتدا مدل پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شده است. نتایج حاصل از تخمین این مدل در جدول (۴) ارائه شده است. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره در تمامی تصریح‌ها کمتر از ۱ درصد است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین مقدار ضریب تعیین در تمامی تصریح‌ها بزرگ‌تر از ۹۵ درصد است و نشان از برازش خوب الگو است. اما برای تجزیه و تحلیل حساسیت و آزمون استحکام نتایج اصلی نشان داده شده در جدول (۴)، دوباره مدل پایه در جدول (۵) تخمین زده می‌شود.

تمرکز اصلی تصریح‌های جدول (۵) کنترل مشکل درون‌زایی و همچنین در نظر گرفتن پویایی‌های سهم صادرات در معادله است. با توجه به اینکه رابطه علیت بین صادرات و هزینه واحد کار نسبی (RULC) می‌تواند رابطه دوطرفه باشد فرض اولیه برون‌زایی برآورد اثرات ثابت در جدول (۴) ممکن است بیش از حد قوی باشد. از این جهت که گسترش صادرات به احتمال زیاد باعث افزایش سودآوری شده و کارگران را به درخواست دستمزدهای بالاتر تشویق کرده و به این ترتیب منجر به جبران و هزینه نیروی کار بالاتر (RULC) می‌شود. بنابراین، دو استراتژی برای کاهش پتانسیل مشکل درون‌زایی دنبال شده است. در مرحله اول، از فرم با وقفه تعدادی از تخمین‌زن‌ها در معادله (۹) استفاده می‌شود که نتایج در ستون ۱ جدول (۵) نشان داده شده است. در این مورد OLS تخمین زده شده هنوز هم تخمین‌های غیرمرتبط را فراهم می‌کند. بنابراین، این تصریح نمی‌تواند این امکان را در نظر بگیرد که سهم صادرات جاری اثرات بازخوردی روی هزینه نیروی کار را در آینده داشته باشد. از این رو، از بین بردن درون‌زایی با این روش دشوار به نظر می‌رسد. به همین دلیل برای به دست آوردن نتایج بی‌طرفانه و دقیق‌تر در این مورد از متغیرهای ابزاری (IV) مقدار جاری و یک سال وقفه GFCF^۱ و ENE^۲ به عنوان متغیر ابزاری استفاده شده است که در آن GFCF ارزش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی و ENE مصرف سرانه انرژی است

1- Gross Fixed Capital Formation (% of GDP)

2- Energy use (kg of oil Equivalent per Capita)

تحلیل تأثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۵۱

که معادل مقدار مواد نفتی مصرفی سرانه است. ارزش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی و مصرف سرانه انرژی متغیرهایی هستند که همواره در الگوهای رگرسیون رشد آورده شده و به عنوان عامل اصلی تولید غیر از نیروی کار به شمار می‌روند (شاکری و همکاران، ۱۳۹۳). به همین دلیل در این تحقیق تشکیل سرمایه ثبات ناخالص جهت در نظر گرفتن نقش سرمایه فیزیکی تأثیرگذار بر صادرات مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتیجه آزمون سارگن - هانسن^۱ و آرانو و باند^۲ نشان می‌دهد که متغیرهای ابزاری استفاده شده، درست انتخاب شده‌اند.

جدول (۴): نتایج مربوط به تخمین مدل پژوهش (متغیر وابسته: صادرات)

متغیر	تصریح (۱)	تصریح (۲)	تصریح (۳)	تصریح (۴)	تصریح (۵)	تصریح (۶)
RULC	-۰/۰۳۳۷۵۵ (-۲/۳۸۵۴۶) [۰/۰۱۹۳]**	-۰/۰۲۲۱۸۱ (-۱/۳۴۶۰۵) [۰/۱۸۱۹]	-۰/۰۳۳۲۲۵ (-۲/۰۱۰۷۶) [۰/۰۴۷۵]**	-۰/۰۲۴۸۸۴ (-۱/۷۹۰۶۲) [۰/۰۷۶۹]	-۰/۰۳۰۹۶۱ (-۱/۸۴۹۰۵) [۰/۰۶۷۹]*	-۰/۰۳۷۱۴۴ (-۲/۷۷۱۲۹) [۰/۰۰۶۹]**
RAD	۰/۳۲۷۳۴۲ (۱/۳۱۵۱۴) [۰/۱۹۲۰]	۰/۹۶۹۵۴۴ (۲/۸۷۷۵۹) [۰/۰۰۵۱]**	۱/۰۴۸۷۴۹ (۳/۱۰۱۸۲) [۰/۰۰۲۶]**	۱/۳۵۱۹۰۱ (۴/۶۰۳۸۲) [۰/۰۰۰۰]**	۱/۱۱۹۵۶۹ (۳/۲۲۵۷۰) [۰/۰۰۱۸]**	۰/۹۱۰۲۹۱ (۲/۳۸۹۴۳) [۰/۰۱۹۱]**
TFP	۱/۵۳۸۷۵۲ (۴/۰۱۹۱۳) [۰/۰۰۰۱]**	۱/۶۰۰۸۶۳ (۲/۶۳۵۳۹) [۰/۰۱۰۰]**	۰/۹۳۱۹۳۴ (۱/۶۵۵۶۶) [۰/۱۰۱۵]	۱/۶۲۷۸۵۲ (۳/۴۳۱۳۹) [۰/۰۰۰۹]**	۱/۴۰۱۸۸۲ (۲/۵۰۳۶۵۳) [۰/۰۱۴۲]**	۱/۵۵۴۵۱۱ (۳/۳۵۲۳۳۱) [۰/۰۰۱۲]**
HC	۰/۰۱۶۳۰۱ (۳/۵۴۳۸۳۷) [۰/۰۰۰۶]**	۰/۰۰۵۱۰۸ (۰/۸۳۷۳۸۷) [۰/۰۴۰۴۷]	۰/۰۰۸۸۶۷ (۱/۳۷۹۳۹۶) [۰/۱۷۱۴]	۰/۰۰۸۹۸۷ (۱/۶۳۱۲۴۰) [۰/۱۰۶۵]	۰/۰۰۹۵۶۱ (۱/۵۵۸۸۲۷) [۰/۱۲۲۸]	۰/۰۱۰۳۸۹ (۱/۷۷۱۷۶۴) [۰/۰۸۰۰]*
SOC	-۰/۰۵۳۷۳۶ (-۵/۸۶۴۴۴) [۰/۰۰۰۰]**	-۰/۰۲۷۹۸۴ (-۲/۳۸۴۰۵) [۰/۰۱۹۳]**	-۰/۰۳۱۷۶۴ (-۲/۶۷۵۶۱) [۰/۰۰۸۹]**	-۰/۰۲۲۳۱۴ (-۲/۰۶۶۳۴) [۰/۰۴۱۸]**	-۰/۰۲۸۴۰۳ (-۲/۴۱۶۵۹) [۰/۰۱۷۸]**	-۰/۰۳۵۲۰۱ (-۳/۳۸۷۴۰) [۰/۰۰۱۱]**
Tax	-۰/۰۰۵۵۴۹ (-۰/۲۸۳۹۰) [۰/۷۷۷۲]	۰/۰۲۷۰۲۹ (۱/۰۵۳۱۶) [۰/۳۹۵۳]	۰/۰۱۸۷۵۹ (۰/۷۱۷۸۲) [۰/۴۷۴۸]	۰/۰۲۰۲۷۰ (۰/۸۶۹۳۷) [۰/۳۸۷۱]	۰/۰۱۹۱۴۱ (۰/۷۲۲۹۵) [۰/۴۷۱۷]	۰/۰۲۰۱۹۴ (۰/۸۹۴۱۱) [۰/۳۷۳۸]
(TAX) ^۲	-۰/۰۳۱۹۷۶ (-۱/۹۹۰۵۲) [۰/۰۴۹۷]**	-۰/۰۵۱۰۹۵ (-۲/۲۲۱۱۷) [۰/۰۲۹۰]**	-۰/۰۵۳۷۷۳ (-۲/۲۸۰۳۱) [۰/۰۲۵۱]**	-۰/۰۲۵۷۳۷ (-۱/۲۱۶۷۸) [۰/۳۲۷۰]**	-۰/۰۵۰۱۰۹ (-۲/۱۸۶۱۵) [۰/۰۳۱۶]**	-۰/۰۲۱۶۲۸ (-۱/۰۷۰۷۵) [۰/۲۸۷۳]
VOICE	۰/۶۱۸۶۷۹ (۳/۲۲۴۷۴) [۰/۰۰۱۸]**					

1- Sargan-Hansen test

2- Arrelano And Bond

۵۲ فصلنامه علمی پژوهشنامه اقتصادی، سال بیستم، شماره ۷۷، تابستان ۱۳۹۹

ادامه جدول (۴) -

متغیر	تصریح (۱)	تصریح (۲)	تصریح (۳)	تصریح (۴)	تصریح (۵)	تصریح (۶)
POL		۰/۲۳۳۱۷۵ (۱/۲۴۳۶۸) [۰/۲۱۷۰]				
GOV			۰/۰۸۴۶۰۳ (۰/۱۲۵۱۱) [۰/۹۰۰۷]			
REG				۰/۹۲۸۹۳۸ (۱/۸۸۰۶۳۴) ***[۰/۰۶۳۴]		
RULE					۰/۲۱۴۲۱۹ (۰/۴۶۵۸۶) [۰/۶۴۲۵]	
CORR						۰/۸۰۱۱۵۳ (۱/۴۸۰۹۳) [۰/۱۴۲۳]
RAD* VOICE						-۱/۵۶۹۹۱۱ (-۷/۰۰۷۳۸) ***[۰/۰۰۰۰]
RAD* POL						-۰/۳۸۸۲۲۷ (-۱/۳۶۹۱۲) [۰/۱۷۱۵]
Rad* GOV						۰/۳۰۹۱۴۸ (۰/۲۹۴۵۹) [۰/۷۶۹۰]
RAD*REG						-۱/۸۲۵۶۳۰ (-۳/۶۷۱۲۳) ***[۰/۰۰۰۴]
RAD*RULE						-۰/۵۴۱۴۵۱ (-۰/۹۷۶۹۵) [۰/۳۳۱۴]
RAD*CORR						-۱/۷۷۸۶۶۸ (-۳/۲۰۶۵۴) ***[۰/۰۰۱۹]
RER	۰/۰۰۴۲۰۱ (۰/۹۶۷۱۱) [۰/۳۳۶۲]	۰/۰۰۲۴۲۱ (۰/۴۲۴۰) [۰/۶۷۳۸]	۰/۰۰۵۱۶۸ (۰/۹۶۷۶۸) [۰/۳۳۵۹]	۰/۰۰۲۱۱۴ (۰/۴۲۷۲۳۴) [۰/۶۷۰۳]	۰/۰۰۴۴۴۶ (۰/۷۷۹۲۵۳) [۰/۴۳۸۰]	۰/۰۰۳۷۹۴ (۰/۷۷۴۱۵) [۰/۴۴۱۰]
R ² F P	۰/۹۸۷۱۰۵ ۴۰۲/۸۸۷۷ ۰/۰۰۰۰۰	۰/۹۷۵۹۴۷ ۲۱۴/۰۲۲۴ ۰/۰۰۰۰	۰/۹۷۵۶۰۵ ۲۱۰/۹۶۰۶ ۰/۰۰۰۰	۰/۹۷۹۹۴۱ ۲۵۷/۴۷۱۸ ۰/۰۰۰۰	۰/۹۷۵۸۰۶ ۲۱۲/۷۴۳۷ ۰/۰۰۰۰	۰/۹۸۱۱۱۰ ۲۷۳/۶۷۴۹ ۰/۰۰۰۰

علائم **، *** و * به ترتیب رد فرضیه صفر در سطح معنی داری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می دهند. اعداد داخل پرانتز آماره t-Statistic و اعداد داخل کروشه احتمال (prob) را نشان می دهند. منبع: یافته های پژوهش

تحلیل تأثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۵۳

جدول (۵): نتایج مربوط به تخمین مدل با استفاده از متغیر ابزاری (متغیر وابسته: صادرات)

متغیر	LS	تصریح (۱)	تصریح (۲)	تصریح (۳)	تصریح (۴)	تصریح (۵)	تصریح (۶)
RULC (t-1)	-۰/۰۹۰۹۱۳ (-۰/۶۳۵۳۴۵) [۰/۰۰۰۰]***						
RAD (t-1)	۲/۴۱۵۳۹۴ (۷/۱۳۴۴۹) [۰/۰۰۰۰]***						
Tax (t-1)	-۰/۰۱۰۲۷۰ (-۰/۳۴۱۷۸) [۰/۸۳۳۲]						
RULC	-۰/۰۳۸۴۱۸ (-۰/۲۸۶۰۳۸) [۰/۰۰۷۲]***	-۰/۰۴۱۳۷۴ (-۰/۲۵۰۴۷۵) [۰/۰۱۴۳]**	-۰/۰۴۳۰۵۴ (-۰/۲۶۴۴۳۶) [۰/۰۰۹۹]***	-۰/۰۴۳۰۵۴ (-۰/۲۶۴۴۳۶) [۰/۰۰۹۹]***	-۰/۰۴۳۰۵۴ (-۰/۲۶۴۴۳۶) [۰/۰۰۹۹]***	-۰/۰۵۰۷۲۷ (-۰/۲۹۷۰۶۹) [۰/۰۰۳۹]***	-۰/۰۴۶۱۳۲ (-۰/۲۳۸۲۱۵) [۰/۰۰۱۱]***
RAD	۰/۴۰۲۶۷۸ (۱/۶۴۳۰۰۰) [۰/۰۰۴۴]***	۱/۰۸۶۵۹۸ (۳۳۵۴۸۰۱) [۰/۰۰۱۲]***	۱/۱۸۰۴۴۴ (۳۶۶۹۹۴۰) [۰/۰۰۰۴]***	۱/۱۸۰۴۴۴ (۳۶۶۹۹۴۰) [۰/۰۰۰۴]***	۱/۳۶۶۹۸۳ (۵۰۴۱۵۲۸) [۰/۰۰۰۰]***	۱/۳۰۸۴۶۴ (۳/۸۲۸۸۹۱) [۰/۰۰۰۳]***	۱/۰۴۸۶۹۳ (۲/۸۵۶۴۹۸) [۰/۰۰۰۵]***
TFP	۱/۴۱۴۷۳۵ (۳/۴۸۰۰۵۴) [۰/۰۰۰۸]***	۱/۰۲۸۵۹۳ (۱/۶۸۵۳۵۱) [۰/۰۰۹۵۹۹]**	۰/۵۶۱۶۳۴ (۰/۹۹۵۶۷۶) [۰/۳۳۲۴]	۰/۵۶۱۶۳۴ (۰/۹۹۵۶۷۶) [۰/۳۳۲۴]	۱/۲۸۲۹۶۸ (۲/۶۳۶۸۷۷) [۰/۰۰۱۳]***	۰/۸۱۰۰۵۴ (۱/۱۹۳۳۰) [۰/۲۳۳۷]	۱/۲۵۷۳۶۸ (۲/۵۳۶۴۸۳) [۰/۰۰۱۳]**
HC	۰/۰۱۵۳۸۸ (۲/۸۵۴۱۱۳) [۰/۰۰۵۲]***	۰/۰۱۸۰۰۳ (۳/۹۵۶۰۱۱) [۰/۰۰۰۲]***	۰/۰۰۹۴۷۲ (۱/۵۶۹۲۶۲) [۰/۰۱۲۰۶]	۰/۰۰۹۴۷۲ (۱/۵۶۹۲۶۲) [۰/۰۱۲۰۶]	۰/۰۱۳۱۹۴ (۲/۴۳۴۶۱۳) [۰/۰۰۱۷۷]**	۰/۰۱۲۹۱۳ (۲/۱۳۱۸۹۹) [۰/۰۰۳۶۱]**	۰/۰۱۳۳۴۰ (۲/۱۱۷۹۲۰) [۰/۰۰۳۷۳]**
SOC	-۰/۰۱۰۱۳۱ (-۰/۸۷۹۶۲) [۰/۳۸۱۱]	-۰/۰۵۱۲۵۱ (-۰/۳۰۹۲۷) [۰/۰۰۰۰]***	-۰/۰۳۳۸۳۶ (-۰/۲۶۸۱۳۳) [۰/۰۰۸۸]***	-۰/۰۳۳۸۳۶ (-۰/۲۶۸۱۳۳) [۰/۰۰۸۸]***	-۰/۰۳۶۵۸۱ (-۰/۲۸۷۸۴۵) [۰/۰۰۵۱]***	-۰/۰۳۵۰۷۸ (-۰/۲۸۶۸۱۲) [۰/۰۰۰۷]***	-۰/۰۳۹۱۴۰ (-۰/۳۴۷۶۸۷) [۰/۰۰۰۸]***
Tax	-۰/۰۰۸۸۶۸ (-۰/۴۵۹۲۰) [۰/۶۴۷۴]	۰/۰۱۹۸۲۰ (۰/۸۸۴۶۰۶) [۰/۴۳۵۰]	۰/۰۱۲۸۴۴ (۰/۵۳۹۸۱۶) [۰/۵۹۰۸]	۰/۰۱۲۸۴۴ (۰/۵۳۹۸۱۶) [۰/۵۹۰۸]	۰/۰۰۹۶۴۰ (۰/۴۳۲۶۲) [۰/۶۶۶۷]	۰/۰۱۰۰۹۲ (۰/۳۹۲۳۸) [۰/۶۹۵۹]	۰/۰۱۵۱۲۱ (۰/۶۷۳۰۳۶) [۰/۵۰۲۹]
(TAX) ²	-۰/۰۳۸۶۷۲ (-۰/۲۳۶۱۱۲) [۰/۰۰۲۰۷]	-۰/۰۳۳۲۱۹ (-۰/۲۷۷۰۳۰) [۰/۰۰۷۰]	-۰/۰۵۷۷۴۹ (-۰/۴۰۸۳۵) [۰/۰۰۱۴۲]	-۰/۰۵۷۷۴۹ (-۰/۴۰۸۳۵) [۰/۰۰۱۴۲]	-۰/۰۲۸۵۵۱ (-۰/۳۱۸۶۳) [۰/۱۹۱۱]	-۰/۰۶۴۹۲۵ (-۰/۴۸۰۳۷۷) [۰/۰۰۶۴]	-۰/۰۲۸۹۴۳ (-۰/۱۴۰۸۹۳) [۰/۱۶۲۸]
VOICE	۰/۶۱۸۳۷۳ (۳/۰۵۸۵۳۴) [۰/۰۰۳۰]***						
POL	۰/۱۰۹۱۵۳ (۰/۵۷۸۹۱۹) [۰/۵۶۴۳]						
GOV				-۰/۴۳۱۵۵۰ (-۰/۶۳۳۴۲) [۰/۵۲۸۹]			

۵۴ فصلنامه علمی پژوهشنامه اقتصادی، سال بیستم، شماره ۷۷، تابستان ۱۳۹۹

ادامه جدول (۵) -

متغیر	LS	تصریح (۱)	تصریح (۲)	تصریح (۳)	تصریح (۴)	تصریح (۵)	تصریح (۶)
REG					۰/۹۱۲۵۷ (۱/۸۳۸۸۲) [۰/۰۸۱۱]		
RULE					-۰/۳۳۸۲۸۸ (-۰/۴۴۹۸۵) [۰/۶۵۴۰]		
CORR					۰/۵۵۰۳۴۴ (۱/۰۴۲۰۳۰) [۰/۳۰۰۶]		
RAD* VOICE							-۱/۵۰۹۹۰۲ (۷۰/۳۸۹۷۶) ***[۰/۰۰۰۰]
RAD* POL							-۰/۲۸۴۰۴۳ (-۱/۰۳۱۵۱) [۰/۳۰۵۴]
Rad* GOV					۰/۵۲۲۴۵۱ (۰/۷۴۳۶۳) [۰/۴۵۹۹]		
RAD*REG							-۱/۸۳۳۹۱۲ (-۳/۸۵۶۶) ***[۰/۰۰۰۲]
RAD*RULE							-۰/۰۸۴۱۷۱ (-۰/۱۴۳۱۰) [۰/۸۸۶۶]
RAD*CORR							-۱/۴۵۴۰۹۳ (-۲/۶۸۰۲۷) ***[۰/۰۰۹۰]
RER		۰/۰۰۰۳۵۶ (۲/۱۰۹۳۴۳) [۰/۰۳۷۳]**	۰/۰۰۶۴۳۹ (۱/۱۶۵۳۱۶) [۰/۲۴۷۴]	۰/۰۰۷۹۰۰ (۱/۵۳۳۳۶۶) [۰/۱۲۹۲]	۰/۰۰۵۰۱۳ (۱/۰۸۳۲۱۰) [۰/۲۸۲۰]	۰/۰۰۸۷۴۶ (۱/۵۶۶۳۳۳) [۰/۱۲۱۳]	۰/۰۰۶۲۷۵ (۱/۳۱۵۵۱۶) [۰/۱۹۲۱]
R ² F prob							۰/۹۷۴۴۹۶ ۲۸۹/۹۵۷۷ ۰/۰۰۰۰۰
J-statistic Prob		۳/۱۰۴۴۰۶ ۰/۰۷۸۰۸۱	۲/۰۶۴۰۸۶ ۰/۷۳۳۹۷۳	۱/۹۳۴۶۱۵ ۰/۴۷۷۸۴	۱/۵۴۹۱۱۳ ۰/۸۱۷۹۰۸	۱/۹۳۶۵۹۲ ۰/۷۴۷۴۲۰	۱/۶۷۹۷۸۴ ۰/۷۹۴۳۸۷
AR(1) AR(1)		۰/۰۷۳۲ ۰/۱۵۴۶	۰/۰۳۹۹ ۰/۳۱۳۳	۰/۰۲۴۴ ۰/۳۸۹۷	۰/۰۰۳۷ ۰/۱۱۶۰	۰/۰۴۶۰ ۰/۳۷۷۶	۰/۰۶۰۱ ۰/۴۲۷۸

علائم **، ***، و * به ترتیب رد فرضیه صفر در سطح معنی داری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهند. اعداد داخل پرانتز آماره t-Statistic و اعداد داخل کروشه احتمال prob را نشان می‌دهند. منبع: یافته‌های پژوهش

در مجموع، نتایج به دست آمده از برآورد الگو در جداول (۴) و (۵) نشان دهنده یک مدل پایه مناسب برای ارتباط عملکرد صادراتی با عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی است. نتایج به دست آمده برای ارتباط بین عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی با عملکرد صادراتی تقریباً در تمامی موارد مورد انتظار و مطابق با مبانی نظری موضوع است. بنابراین می توان گفت هر دو فرضیه آزمون مبنی بر اثرات مثبت عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور، مورد تایید قرار می گیرند.

نتایج تحقیق نشان می دهد که اثر متغیر مستقل هزینه نیروی کار (RULC) بر متغیر وابسته، یعنی سهم صادرات کشورهای منتخب نوظهور از صادرات جهان منفی و معنادار دارد و حاکی از این موضوع است که افزایش هزینه نیروی کار (دستمزد) منجر به افزایش هزینه های تولید و در نتیجه کاهش تولید و صادرات در کشورهای مورد مطالعه خواهد شد. این موضوع نشان می دهد که در کشورهای مورد مطالعه یکی از عوامل از افزایش صادرات نیروی کار ارزان بوده و در نتیجه بالاتر رفتن هزینه نیروی کار می تواند مزیت کشورها از این جنبه را دچار مشکل کرده و صادرات آنها را کاهش دهد. این نتیجه در تمامی هر سه روش تخمین و تصریح ها در جدول (۴) و (۵) برقرار است. در این رابطه نیکورتی و اسکارپتا^۱ (۲۰۰۳) نیز نشان داده اند که افزایش هزینه نیروی کار منجر به افزایش هزینه های تولید به صورت قابل ملاحظه گشته و در نتیجه هزینه مبادله را در کل اقتصاد افزایش داده و باعث کاهش تولید تمامی کالاها و از جمله کالاهای صادراتی شده که این به تناسب باعث کاهش صادرات در اقتصاد می شود.

نتایج تحقیق نشان می دهد که اثر شاخص بهره وری (TFP) و سرمایه انسانی (HC) بر صادرات کشورهای منتخب نوظهور مثبت و معنادار است. در این رابطه در قسمت ادبیات موضوع به مطالعات مرتبط و تایید کننده اثر مثبت بهره وری و سرمایه انسانی بر صادرات اشاره گردید. همچنین نتایج ارائه شده در جداول (۴) و (۵) نشان می دهد که اثر متغیر مخارج تحقیق و توسعه (RAD) بر عملکرد صادراتی کشورهای نوظهور مثبت و معنی دار است. این نتیجه تایید کننده یافته های بارناکیس و تسوکیس (۲۰۱۶) و کارلسن و همکاران (۲۰۰۶) بوده و نشان می دهد که توانایی کشورهای نوظهور برای نوآوری و ارائه

محصولات متمایز در بازارهای بین‌المللی زیاد است و توانسته‌اند در این زمینه موفق عمل کنند.

نتیجه مهم دیگر این مطالعه اثر متغیر منفی و معنی‌دار سهم مخارج مصرفی جامعه (SOC) بر میزان صادرات کشورهای مورد مطالعه است. این نتیجه در راستای یافته‌های السینا و پروتی^۱ (۱۹۹۷) بوده و حاکی از این موضوع است که افزایش نسبت مصرف به تولید ناخالص داخلی (که نشان‌دهنده فشار تقاضا در داخل است)، باعث افزایش میزان تقاضا در جامعه شده که این به نوبه خود به افزایش قیمت کالاهای داخلی از جمله کالاهای صادراتی منجر و در نهایت باعث کاهش صادرات در کشورهای مورد مطالعه شده است. بنابراین، می‌توان گفت که صادرات این کشورها نسبت به تورم و فشار تقاضای داخلی حساس است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل مالیات دریافتی (Tax) بر متغیر وابسته میزان صادرات کشورهای نوظهور مطابق مورد انتظار منفی بوده، اما از نظر آماری معنادار نیست. این نتیجه تاحدودی تاییدکننده نتایج کانینگ و پدرونی^۲ (۲۰۰۸) و دمتریادس و مامیونس^۳ (۲۰۰۰) است و می‌تواند به این دلیل باشد که فشار مالیاتی در این کشورها به اندازه‌ای نبوده است که افزایش شدید هزینه و در نتیجه قیمت محصولات تولیدی بنگاه‌های صادرکننده کالا و خدمات را به دنبال داشته در نتیجه باعث کاهش صادرات نشده است. همچنین در مدل‌های برآوردی اثر متغیر مالیات دریافتی به دو $(TAX)^2$ بر میزان صادرات کشورهای منتخب نوظهور منفی و معنادار بوده و حاکی از این موضوع است که رابطه بین نرخ مالیات و صادرات به صورت U معکوس است، در نتیجه نظریه بارو تایید می‌شود. این نتیجه به این معنی است که مالیات‌ها در مراحل ابتدایی به علت ایجاد نهادهای حاکمیتی و قانونی، زمینه ایجاد و گسترش فعالیت بنگاه‌های اقتصادی را فراهم کرده و در نتیجه باعث رونق صادرات می‌شوند، اما پس از یک نقطه بهینه، افزایش مالیات‌ها باعث افزایش دخالت دولت در اقتصاد و بیرون‌رانی بخش خصوصی شده و در نتیجه با افزایش هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند موجب کاهش صادرات شود. این نتیجه در

1- Alesina and Perotti

2- Canning, and Pedroni

3- Demetriades and Mamuneas

تحلیل تأثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۵۷

راستای نتایج تمپل^۱ (۱۹۹۹)، لاپورتا و همکاران^۲ (۱۹۹۹) و بارو (۱۹۹۰) است که روی هر دو جنبه بهبود بهره‌وری در مراحل ابتدایی رشد و اثر بازدارندگی^۳ در مراحل آتی رشد ناشی از مالیات‌ها تأکید کرده‌اند.

در جداول (۴) و (۵) اثرات متغیرهای نهادی بر عملکرد صادراتی نیز نشان داده شده است. اثر این متغیرها به خودی خود قابل توجه بوده و مطابق مبانی نظری مطالعه است. در تمامی برآوردها، اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر عملکرد صادراتی کشورهای نوظهور مثبت است. هرچند این اثر فقط برای دو متغیر حق اظهارنظر و پاسخگویی و حاکمیت قانون به ترتیب در سطح ۱ و ۱۰ درصد معنی‌دار است. این نتایج با یافته‌های مطالعات مداح و دل قندی (۱۳۹۲)، احمدزاده و همکاران (۱۳۹۲)، دلار و کری^۴ (۲۰۰۳)، گیاوازی و تابلینی^۵ (۲۰۰۵) و میون و سیک^۶ (۲۰۰۸) و تعدادی دیگر از مطالعات که در قسمت ادبیات موضوع اشاره شد، همسو بوده و حاکی از این موضوع است که تقویت بنیان‌های نهادی کشورهای نوظهور توانسته است مناسبات سرمایه‌گذاری و تولید در این گروه کشورها را تقویت کرده و منجر به افزایش صادرات این کشورها شود.

همان‌طور که نتایج تحقیق نشان می‌دهد اثر تعاملی بین هر یک از متغیرهای نهادی و تحقیق و توسعه منفی بوده و این اثر برای متغیرهای حق اظهارنظر و پاسخگویی، حاکمیت قانون و کنترل فساد معنی‌دار است. این به این معنی است که بهبود این شاخص‌ها، اثرات مثبت هزینه‌های تحقیق و توسعه (RAD) بر صادرات این کشورها را که در سایر برآوردهای الگو نشان داده شد، کاهش می‌دهد. این نتایج تا حدودی دور از انتظار بوده و جای بحث دارد، اما بر اساس تعدادی از مطالعات قبلی قابل توجیه است. مطالعات اخیر مانند رودریک^۷ (۲۰۰۵) و آرنولد و همکاران^۸ (۲۰۰۸) اشاره کرده‌اند که بازار انعطاف‌ناپذیر^۹ (سفت‌وسخت) آسیب به صنایع مختلف را به دنبال دارد. دلیل این امر

-
- 1- Temple
 - 2- La Porta *et al.*
 - 3- Crowding out
 - 4- Dollar and Kraay
 - 5- Giavazzi and Tabellini
 - 6- Meon and Sekk
 - 7- Rodrik
 - 8- Arnold *et al.*
 - 9- Rigid Markets

می‌تواند به قوانین گاه متناقض و دست و پاگیر و یا قوانین ناکارا و نحوه انجام کنترل فساد برگردد که نتوانسته است تاثیرگذاری لازم را محیط اقتصادی و در نتیجه صادرات این کشورها داشته باشد. همچنین بعضی از محققان مانند کافمن^۱ (۱۹۹۷) بر این باور هستند که فساد می‌تواند سبب عملکرد کارای عرضه و تقاضا شود. از دیدگاه آن‌ها کاراترین بنگاه‌ها می‌توانند با وجود پرداخت رشوه‌های بالا، به دلیل هزینه‌های اندکی که در مقایسه با سایر بنگاه‌ها دارند، سوددهی خود را حفظ کنند و بنابراین قراردادهای به کاراترین بنگاه‌ها می‌رسد. همچنین فساد می‌تواند ابزاری برای روان‌تر شدن چرخه‌های تجارت باشد، زیرا سبب می‌شود کارآفرینان بتوانند از قوانین و مقررات دست و پاگیر و بوروکراسی اداری رهایی یابند (لویی^۲، ۱۹۸۵). بنابراین، زمانی که قوانین دست و پاگیری در کشوری وجود داشته باشد، یکی از راه‌های موجود برای ادامه فعالیت محیط نوآورانه و بنگاه‌هایی که دنبال نوآوری و ابداع هستند، پرداخت رشوه و راه‌های دیگر فساد مالی است. در نتیجه در صورت کنترل شدید فساد در چنین کشورهایی به نحوی فعالیت این بنگاه‌ها دچار اختلال شده که می‌تواند بر عملکرد صادراتی آن‌ها نیز اثر منفی داشته باشد. در نهایت نتایج نشان می‌دهد اثر نرخ ارز روی صادرات کشورهای منتخب نوظهور مثبت و معنادار است و حاکی از این موضوع است که کاهش ارزش پول ملی از عوامل موثر در رونق صادرات این کشورها بوده است.

۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مطالعه ارتباط بین عملکرد صادراتی با عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی کشورهای نوظهور که در این زمینه موفق بوده‌اند، سنجیده شد. از آنجایی که افزایش صادرات این کشورها در بازارهای جهانی قابل مشاهده و از ارزش بالایی برخوردار است، الگوسازی تجارب این کشورها می‌تواند در افزایش صادرات کشور ایران نیز موثر واقع شود. نتایج تحقیق نشان داد از عوامل بنیادی اثر متغیرهای تحقیق و توسعه، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه انسانی بر عملکرد صادراتی کشورهای نوظهور مثبت و معنادار و اثر متغیرهای هزینه نیروی کار و سهم مخارج مصرفی جامعه منفی و معنی‌دار است. همچنین

1- Kaufmann

2- Lui

تحلیل تأثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۵۹

نتایج این مطالعه نشان داد که اثر متغیر مالیات دریافتی بر سهم صادرات کشورهای نوظهور منفی و به صورت منحنی U معکوس است. همچنین نتایج تحقیق نشان داد اثر تمامی متغیرهای حکمرانی خوب به عنوان شاخص عوامل نهادی بر عملکرد صادراتی کشورهای منتخب نوظهور مثبت و معنادار است، اما اثر تعاملی این متغیرها با مخارج تحقیق و توسعه در تعدادی از موارد منفی است که می‌تواند ناشی از شرایط خاص سیاسی تعدادی از کشورهای نمونه باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده از این مطالعه پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی جهت افزایش صادرات، سیاست‌های مبتنی بر تقویت و افزایش هزینه تحقیق و توسعه، تسهیل حرکت به سمت یک اقتصاد دانش‌محور و کاهش شکاف فناوری و افزایش بهره‌وری، توجه ویژه به اتخاذ سیاست‌های پژوهشی و آموزشی و بهبود سرمایه انسانی را اتخاذ نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی جهت افزایش صادرات سیاست‌های مبتنی بر نظارت هزینه نیروی کار و سیاست‌های مبتنی بر کاهش فشار تقاضا و سیاست‌های مبتنی بر مدیریت و کاهش نرخ مالیات در بلندمدت را در نظر بگیرند. همچنین با توجه به نتایج ارتباط متغیرهای نهادی با شاخص عملکرد صادراتی، پیشنهاد می‌شود مدیران اقتصادی جهت افزایش صادرات کشورهای مورد مطالعه، سیاست‌های مبتنی بر تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب را در نظر بگیرند.

توصیه می‌شود که با افزایش آزادی بیان و تشویق مردم به مشارکت، افزایش کارایی دولت، حاکمیت قانون، کنترل فساد و بهبود قوانین و مقررات مربوطه به افزایش رشد پایدار و رونق صادرات در کشورهای خود کمک کنند. به طور کلی، نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که ضعف عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی به قدرت رقابت بین‌المللی کشورها آسیب زده و کشورهایی که به دنبال افزایش سهم بازار صادرات خود هستند، باید اصلاحاتی را اجرا کنند که ناکارآمدی‌های مرتبط با بازار کالا و نیروی کار را کاهش دهد.

منابع

الف - فارسی

- احمدزاده، خالد، کاظم یاوری، عباس عصارای آرانی و بهرام سحایی، بهرام (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل نهادی و همگرایی‌های منطقه‌ای در حوزه صادرات خدمات»، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۸، شماره ۳، ۱۶۵-۱۹۱.
- رزمی، سید محمدجواد، سارا شهرکی و محمدرضا کلایی (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۹، ۱۶۲-۱۳۷.
- شاگری، عباس (۱۳۸۳)، «عوامل تعیین‌کننده صادرات غیرنفتی ایران»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۶، شماره ۲۱، ۵۰-۲۳.
- شاگری، محبوبه، احمد جعفری صمیمی و زهرا کریمی موغاری (۱۳۹۴)، «ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ششم، شماره بیست و یکم، ۱۰۶-۹۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و عبدالله پورجوان (۱۳۹۱)، «نهادها و رشد اقتصادی، مطالعه داده‌های تابلویی»، نشریه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۳۲، ۱۲۱-۹۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و صبا سلیمی (۱۳۹۴)، «تاثیر حکمرانی خوب بر شدت تحقیق و توسعه؛ کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه»، نشریه سیاست علم و فناوری، سال هفتم، شماره ۲، ۴۶-۳۵.
- شریفی رنانی، حسین و حسن ملا اسماعیلی دهشیری (۱۳۹۱)، «اثر نهادها بر صادرات غیرنفتی در کشورهای منتخب عضو اوپک»، نشریه اقتصاد و تجارت نوین، سال هشتم، شماره ۳۱-۳۲، ۲۱۵-۱۹۳.
- فطرس، محمدحسن و اسماعیل ترکمنی (۱۳۹۱)، «توسعه انسانی تعدیل‌شده و پایداری رشد اقتصادی: مقایسه تطبیقی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ۷، ۹۲-۵۹.

تحلیل تأثیر عوامل بنیادی و متغیرهای نهادی بر صادرات کشورهای نوظهور ... ۶۱

قدوسی دهنوی، پروین، کریم آذربایجانی و همایون رنجبر (۱۳۹۳)، تأثیر نهادهای حاکمیتی بر صادرات و واردات کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد سبز.

کیمیایی، فاطمه و محمد ارباب‌افضلی (۱۳۹۵)، «تأثیر حکمرانی و عوامل دانش‌بنیان بر صادرات اقتصادهای نوظهور»، *مجله سیاست‌های مالی و اقتصادی*، سال چهارم، شماره ۱۳، ۹۵-۱۱۴.

محمدی، حسین و بهزاد فکاری (۱۳۹۴)، «اثرات زیرساخت‌های نهادی و متغیرهای کلان اقتصادی بر تنوع صادرات ایران (با استفاده از رگرسیون ریج)»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان اقتصادی*، دوره ۳، شماره ۱۱، ۷۵-۹۴.

مداح، مجید و مژده دل‌قندی (۱۳۹۲)، «بررسی اثر کیفیت نهادها و عملکرد سیاست‌های اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه جی ۸ و اوپک (رهیافت خود رگرسیون برداری در داده‌های تابلویی)»، *دو فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، شماره ۶، ۱۳۳-۱۵۷.

مهدوی عادل، محمدحسین، محمدحسین حسین زاده بحرینی و افسانه جوادی (۱۳۸۷)، «تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط»، *مجله دانش و توسعه*، سال پانزدهم، شماره ۲۴، ۸۸-۱۰۶.

میرزا ابراهیمی، رضا (۱۳۸۵)، «راهکارهای اعمال اصلاحات در حوزه دولت از دیدگاه استگلیتز»، *فصلنامه اقتصاد و جامعه*، (۷)، ۵۴-۷۷.

یاوری، کاظم، حمیدرضا اشرف‌زاده و خالد احمدزاده (۱۳۸۹)، «متنوع‌سازی صادرات و بهره‌وری در صنایع کشور»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال دهم، شماره سوم، ۵۳-۷۳.

ب - انگلیسی

Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2001), "The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation", *American Economic Review*, 91(5), 1369-1401.

Alesina, A., Perotti, R., (1997), "The Welfare State and Competitiveness", *American Economic Review*, 87 (5): 921-939.

- Arnold, J., Nicoletti, G., Scarpetta, S. (2008), "Regulation, Allocative Efficiency and Productivity in OECD Countries, Industry and Firm Level Efficiency", OECD Economics Department Working Paper No. 616.
- Azfar, O. and Lee, Y. (2001), "Does Corruption Delay Trade Reform? University of Maryland (College Park, Md), Institutional Reform and the Informal Sector Center.
- Badinger, H., and Tondl, G. (2003), "Trade, Human Capital and Innovation: The Engines of European Regional Growth in the 1990s". *In European regional Growth* (pp. 215-239), Springer Berlin Heidelberg.
- Baier, S. L., Dwyer, G. P., and Tamura, R. (2006), "How Important are Capital and Total Factor Productivity for Economic Growth?", *Economic Inquiry*, 44(1), 23-49.
- Balassa, B. (1978). Exports and Economic Growth: Further Evidence", *Journal of Development Economics*, 5(2), 181-189.
- Barro, R. J. (1990), "Government Spending in a Simple Model of Endogenous Growth", *Journal of Political Economy*, 98(5, Part 2), S103-S125.
- Besley, T., Burgess, R. (2004), "Can Labor Regulation Hinder Economic Performance? Evidence from India", *O. J. Econ.* 119 (1): 91-134.
- Blanchard, O., and Wolfers, J. (2000), "The Role of Shocks and Institutions in the Rise of European Unemployment: The Aggregate Evidence", *The Economic Journal*, 110(462), 1-33.
- Bournakis, I., and Tsoukis, C. (2016), "Government Size, Institutions, and Export Performance Among OECD Economies", *Economic Modelling*, 53, 37-47.
- Canning, D., and Pedroni, P. (2008), "Infrastructure, Long-run Economic Growth and Causality Tests for Cointegrated Panels", *The Manchester School*, 76(5), 504-527.
- Carlin, W., Glyn, A., and Van Reenen, J. (2001), "Export Market Performance of OECD Countries: An Empirical Examination of the Role of Cost Competitiveness", *The Economic Journal*, 111(468), 128-162.
- Carlsen, F; Johansen, K and Roed, K.(2006), "Wage Formation, Regional Migration and Local Labour Market Tightness", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, Vol. 68
- Cavallaro, E., Mulino, M. (2009), "Technological Catching up, Competitiveness and Growth", *J. Int. Trade Econ. Dev.* 18 (4): 505-525.
- Coase, R. (1960), "The Problem of Social Cost", *Journal of Law and Economics*. 3:1-44.

- Dejong, E. & Udo, E. (2006), Is Corruption Detrimental to International Trade? Department of Economics, Radboud University Nijmegen, Available at: cogress.utu.fi/epcs2006/docs/C1_de%20jong.pdf
- Cheong, L. K., and Chang, V. (2007), "The Need for Data Governance: A Case Study", *ACIS 2007 Proceedings*, 100.
- Demetriades, P. O., and Mamuneas, T. P. (2000), "Intertemporal Output and Employment Effects of Public Infrastructure Capital: Evidence from 12 OECD Economies", *The Economic Journal*, 110(465), 687-712.
- Dixit, A. (2009), "Governance Institutions and Economic Activity", *The American Economic Review*, 99(1), 3-24.
- Dixit, A. K., and Stiglitz, J. E. (1977), "Monopolistic Competition and Optimum Product Diversity", *The American Economic Review*, 67(3), 297-308.
- Dollar, D., and Kraay, A. (2003), "Institutions, Trade, and Growth", *Journal of Monetary Economics*, 50(1), 133-162.
- Drine, I. (2012), "Institutions, Governance and Technology Catch-up in North Africa", *Economic Modelling*, 29(6), 2155-2162.
- Dutt, P. and Traca, D. (2009), "Corruption and Bilateral Trade Flows: Extortion or Evasion?", *Review of Economics and Statistics*, 92(4); pp. 843-860.
- Elhiraika, A. B., and Mbate, M. M. (2014), "Assessing the Determinants of Export Diversification in Africa", *Applied Econometrics and International Development*, 14(1), 147-160.
- Epifani, P., and Gancia, G. (2009), "Openness, Government Size and the Terms of Trade", *The Review of Economic Studies*, 76(2), 629-668.
- Fagerberg, J., (1988), "International Competitiveness", *Econ. J.* 98 (391): 355-374.
- Francois, J., and Manchin, M. (2013), "Institutions, Infrastructure, and Trade", *World Development*, 46, 165-175.
- Giavazzi, F., and Tabellini, G. (2005), "Economic and Political Liberalizations", *Journal of Monetary Economics*, 52(7), 1297-1330.
- Griffith, R., Harrison, R., and Macartney, G. (2007), "Product Market Reforms, Labour Market Institutions and Unemployment", *The Economic Journal*, 117(519), 142-166.
- Gwartney, J. D., Holcombe, R. G., and Lawson, R. A. (2006), "Institutions and the Impact of Investment on Growth", *Kyklos*, 59(2), 255-273.
- Helpman, E., Krugman, P.R. (1985), Market Structure and Foreign Trade, Increasing Returns, Imperfect Competition, and the International Economy. *MIT Press, Cambridge, MA.*

- Hoffmaister, M. A. W., Coe, M. D. T., and Helpman, M. E. (2008), *International R and D Spillovers and Institutions* (No. 8-104), International Monetary Fund.
- Kaufmann, D. (1997), Corruption: the Facts, Foreign Policy, World Bank, Available At:http://siteresources.worldbank.org/INTWBIGOVAANTCOR/Resources/fp_summer97.pdf
- Knack, S., & Keefer, P. (1995), "Institutions and Economic Performance: Cross-country Tests Using Alternative Institutional Measures", *Economics and Politics*, 7(3), 207-227.
- Koeniger, W., and Prat, J. (2007), "Employment Protection, Product Market Regulation and Firm Selection", *The Economic Journal*, 117(521).
- Kwan, A. C., Cotsomitis, J. A., and Kwok, B. (1996), "Exports, Economic Growth and Exogeneity: Taiwan 1953-88", *Applied Economics*, 28(4), 467-471.
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., and Vishny, R. (1999), "The Quality of Government", *The Journal of Law, Economics, and Organization*, 15(1), 222-279.
- León-Ledesma, M.A. (2005), "Exports, Product Differentiation and Knowledge Spillovers", *Open Econ. Rev.* 16 (4): 363-379
- Levchenko, A. A. (2007), "Institutional Quality and International Trade", *The Review of Economic Studies*, 74(3), 791-819.
- Li, J., Vertinsky, I., and Zhang, H. (2013), "The Quality of Domestic Legal Institutions and Export Performance", *Management International Review*, 53(3), 361-390.
- Loungani, P., Mishra, S., Papageorgiou, C., and Wang, Ke. (2017), World Trade in Services: Evidence from A New Dataset, IMF Working Paper, WP/17/77.
- Lui, F. T. (1985), "An Equilibrium Queuing Model of Bribery", *Journal of Political Economy*, 93(4): 760-781.
- Méon, P. G., and Sekkat, K. (2008), "Institutional Quality and Trade: Which Institutions? Which Trade?", *Economic Inquiry*, 46(2), 227-240.
- Montobbio, F. and Rampa, F. (2005), "The Impact of Technology and Structural Change on Export Performance in Nine Developing Countries", *World Development*, 4(33): 527-554.
- Nachege, J. C., and Fontaine, T. (2006), *Economic Growth and Total Factor Productivity in Niger* (No. 2006-2208), International Monetary Fund.
- Nickell, S. (1997), "Unemployment and Labor Market Rigidities: Europe Versus North America", *The Journal of Economic Perspectives*, 11(3), 55-74.

- Nicoletti, G., and Scarpetta, S. (2003), "Regulation, Productivity and Growth: OECD Evidence", *Economic Policy*, 18(36), 9-72.
- Nunn, N. (2007), "Relationship-specificity, Incomplete Contracts, and the Pattern of Trade", *The Quarterly Journal of Economics*, 122(2), 569-600.
- Ogunleye, E. O., and Ayeeni, R. K. (2008), "The Link Between Export and Total Factor Productivity: Evidence from Nigeria", *Continental Journal of Social Sciences*, 1, 9.
- Okun-Kozłowski, J. (2016), Standards and Regulations: Measuring the Link to Goods Trade, Office of Standards and Investment Policy, *International Trade Administration*. U.S. Department of Commerce.
- Paldam, M., and Gundlach, E. (2008), "Two Views on Institutions and Development: The Grand Transition vs the Primacy of Institutions", *Kyklos*, 61(1), 65-100.
- Rodrik, D. (2005), "Growth Strategies", *Handb. Econ. Growth*, (1): 967-1014.
- Rose - Ackerman, R. (2006), "The Political Economy of Corruption: Research and Policy", *Keynote Address for Primera*.
- Snowdon, B., and H. R. Vane. (2005), "Modern Macroeconomics: Its Origins, Development and Current State", *Cheltenham*: Edward Elgar.
- Temple, J. (1999), "The New Growth Evidence", *Journal of Economic Literature*, 37(1), 112-156.
- Uger, M. (2012), Market Power, Governance and Innovation: OECD Evidences, *MPRA Paper No. 44151*. <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/44141/>
- Wei, S. (2000), How Taxing is Corruption on International Investors?, *The Review of Economics and Statistics*, LXXXII(1); 1-11
- Weller, C. and Ulmer, K. (2008), Trade and Governance: Does Governance Matter for Trade? APRODEV, Association of WCC related Development Organizations in Europe Bv Charlemagne 28, Available at: www.aprodev.eu/files/Trade/trade-andgov.pdf
- Williams, A. (2006), The Link between Institutional Quality and Economic Growth: Evidence from a Panel of Countries, Thesis for The Degree of Doctor of Philosophy, The University of Western Australia, *School of Economics & Commerce*.
- World Trade Organization, *World Trade Statistical Review (2016)*, site at www.wto.org/statistics